

اخراج و محاکمه امرا و فرماندهان ارتش شاه خواست مبرم پرسنل انقلابی و همه نیروهای مترقی است!

اعدام کودتاگران و حامیان آنان خواست مردم است. محاکمه این عناصر سرسپرده باید بطور علنی و تماماً از رادیو - تلویزیون پخش شود تا مردم ایران از همه حقایق باخبر شوند

وقتی در بهمن ۵۷ توده‌های میلیونی پادگان‌های ارتش ضد خلقی شاه را یکی پس از دیگری تسخیر می‌کردند و بزرگترین حماسه تاریخ ایران را می‌سرورند، وقتی عطر قیام جشن توده‌ها را در چهار گوشه ایران پیام آور بود برای امپریالیسم آمریکا و فرماندهان مزدور ارتش و همه متحدان داخلی امپریالیسم باورکردنی نبود که بتوانند بار دیگر آنهم در مدتی کمتر از یکسال و نیم پس از قیام دوباره برای به خاک و خون کشیدن زحمتکشان ایران خود را سازمان دهند و در ظرف این مدت کوتاه شبکه‌های جاسوسی امپریالیسم و دستجات و محافل وابسته به امپریالیسم آمریکا جنبه ضدانقلابی خود را چنان علیه آرمان خون شهیدان انقلاب و آرمان میلیونها زحمتکش سراسر ایران بسیج کنند که مردم خطر بازگشت رژیم سرسپرده آمریکائی را بغل گوش خود احساس کنند. راستی چگونه است که یک سال و نیم پس از بزرگترین بقیه در صفحه ۹

پیرامون ترکیب و سیاست دولت جدید، افزایش خطر کودتا و وظایف ما

یکی بر سر شاخ بن می برید!

همزمان با انتقال زمام قدرت قانون‌گذاری و مهم‌ترین رکن قدرت اجرائی از شورای انقلاب به مجلس شورای اسلامی و هیئت دولتی که توسط آن تأیید می‌شود، تحول بسیار مهم دیگری در سهم هریک از جناح‌های جمهوری اسلامی ایران از قدرت در شرف تکوین است.

هرگاه یکبار دیگر ترکیب نیروهای شرکت کننده در دستگاه جمهوری اسلامی و نهادهای آن را طی یکسال و نیم گذشته مرور کنیم، به روشنی خواهیم دید که طی این مدت طرفداران سیاست "گام به گام" در حال عقب‌نشینی و از دست دادن مواضع خود بوده‌اند. نمایندگان سرمایه‌داران لیبرال و شرکای "طاغوتی" آنها که در آغاز سرتکونی شاه تقریباً تمام وزارتخانه‌ها و پستهای فرماندهی ارتش را اشغال کرده‌اند، اغلب به تدریج از حکومت رانده شدند و حتی عده‌ای از آنان تحت تعقیب قرار گرفتند و تنی چند هم به جوخه اعدام سپرده شدند.

جای این نیروها را به تدریج طرفداران ولایت فقیه و حکومت اسلامی پیروان خط امام گرفتند. طی این مدت جریان مذهبی - سیاسی "خط امام" که بطور عمده یا در حزب جمهوری اسلامی شرکت دارد یا از

بقیه در صفحه ۲

در این شماره!

شورا خواهان تصفیه انقلابی مدیریت است
و معین فرخواست باکازی شورا!
در صفحه ۶

کمانی درد بی درمان
سرمایه‌داری وابسته
(قیمت دوم)
تاجران سرمایه‌دار از بزرگ‌ترین میلیونی‌تر
و زحمتکشان فقیرتر میشوند
در صفحه ۵

اتحاد زحمتکشان
"تکان تبه" آنان را بر
زمین داران بزرگ
ببروز ساخته است
در صفحه ۱۱
یکی از افسران کودتاگر، فرمانده نیروی هوایی
در کابینه آقای بازرگان بوده است
در صفحه ۱۰

اعدام فدائی خلق رفیق فرامرزمحمید،
لکه‌نگی بر
دامن رژیم جمهوری اسلامی است
در صفحه ۳

عفو عمومی
عیدی به ضدانقلاب بود
این عفو برخلاف واقعیت و اینها
ریختند مشغول توطئه شدند
در صفحه ۵

اجرای انقلابی خواست ۴ ساعت کار
در هفته در ۵ کارخانه بزرگ کیلان
در صفحه ۶

بررسی انتقادی قانون کار پیشنهادی
دومین و سومین سنگره سراسری
شوراهای اسلامی کارگران
در اصفهان و مشهد
در صفحه ۸

اخبار کارگری
دوب آهن اصفهان
اتحاد کارگران و کارمندان جزء با
تحکیم شورا اکثریتش می‌یابد
در صفحه ۱۱
در اثر انفجار توزه ۱ هکتار نری ۵ سراسر
کارگران جان خود را از دست دادند
در صفحه ۱۱
نظام یوسیده سرمایه‌داری یکبار دیگر
زحمتکش را به قربانی گرفت
در صفحه ۱۲

اعلام جرم

سازمان چریکهای فدائی خلق ایران (اکثریت)

علیه اقدامات مشکوک

روزنامه اطلاعات

دادستان کل دادگاه‌های انقلاب اسلامی ایران! در روزنامه اطلاعات سه‌شنبه ۳۱ تیرماه، مطالبی تحت عنوان "موافقت چریکهای فدائی خلق و کشورهای بزرگ برای کودتا جلب شده بود" به چاپ رسیده است که همه مردم آگاه ایران آن را به عنوان دروغی نفرت‌انگیز تلقی خواهند کرد. ما انتشار این اکاذیب بی‌شرمانه را به دلایل زیر اقدامی علیه انقلاب و علیه مصالح مردم قهرمان میهن و به سود امپریالیسم آمریکا متحدان جنایتکار آن می‌دانیم: ۱- در شرایطی که بقیه در صفحه ۷

اعدام فدائیان خلق

نفرت همه نیروهای انقلابی و مترقی را برانگیخته است
در صفحه ۱۶

بکوشیم تا با استقرار صلح عادلانه در کردستان وحدت مردم میهنمان را
علیه امپریالیسم آمریکا تحکیم بخشیم

یکی بر سر شاخ بن ...

بقیه از صفحه ۱

آن حمایت می کند، مدام در حال گسترش مواضع خود در حکومت بوده است. هرچند که از هم اکنون پیداست دولت جدید بنا به ماهیت خود و به ویژه ضعفهایش فعلا نمی تواند بدون جلب همکاری دیگران از عهده اداره امور برآید. البته باید توجه داشت که از همان ابتدا هیچ وقت لیبرالها در حکومت قدرت مسلط را در دست نداشتند. هیچ وقت بقول بازرگان تیفه چاقو پیش آنها نبوده است. کمیته های انقلاب، سپاه پاسداران، دادگاه های انقلاب، بنیاد مستضعفین، جهاد سازندگی، انجمن ها و شوراهای اسلامی که عموماً از خط روحانیت حاکم "پیرو خط امام" پیروی می کنند، قدرت اصلی و مهار دستگاه دولت واقعی را در دست داشتند. زمانی که وزارتخانه ها، ارتش، ژاندارمری و دیگر ادارات دولتی که از رژیم سابق بر جای مانده بودند، اکثراً به دست لیبرالها و در برخی موارد عوامل رژیم سابق اداره می شد، اختیارات زیادی نداشتند.

در یکسال و نیم کشمکش قدرت نه تنها بازرگان و شرکا (لیبرالها) بلکه تلاش بنی صدر و او نیز برای برچیدن مراکز متعدد تصمیمات طرح حل کردن سپاه پاسداران در ارتش، کمیته های شهریاری و دادگاه های انقلاب در دادگسری به جایی نرسید. کابینه بازرگان و آنها که با تأیید وی وزارتخانه ها و ارتش را در اختیار داشتند، تا حدود زیادی از این ارگانها کنار زده شدند و جایشان را پیروان سرسخت آیت الله خمینی اشغال کردند. مقطع تسخیر سفارت و ادغام بخشی از کابینه در شورای انقلاب یک نقطه عطف بود.

امروز تمام شواهد، از کنار گذاشتن بازهم وسیع تر زمین جریانهای لیبرالی و رانده شدن بازهم بیشتر آنها از حکومت حکایت دارد. سخنان صریح آیت الله خمینی در مقابل اعضای شورایی قضائی برخورد آتی خط امام را با جریانهای لیبرالی و نیز با بنی صدر و همفکران او با وضوح بیشتری روشن ساخت: "تا حالا خطا کردیم، این خطاها را باید جبران بکنیم... بروند کنار اینها، بروند گم شن اینها...". کاملاً مسلم به نظر میرسد که علیرغم پیشداوری های شتابزدهای که در زمینه انتقال سریع و مستقیم قدرت به لیبرالها و شرکا به عمل می آید، مبارزه قدرت میان بالائیها بسود "خط امام" که سمت گیری ضد امپریالیستی دارد، هنوز در حال گسترش است. موج تصفیه و پاکسازی جهت اصلی حمله را متوجه منحصر کردن و سپردن تمام نهادهای حکومتی به دست جریانهای "مکتبی، متدین و صد در صد اسلامی" پیرو خط امام گردانیده است. خطاست هرگاه تصور کنیم "طاغوت زدائی" موضع جریانهای پیرو خط امام را در حکومت بیش از پیش تحکیم نکرده است.

بیرون ریختن همه جریانهای "غیر خودی" از دستگاه حکومتی بطور جدی تعقیب می شود و خواهد شد. مشخص تر شدن صفها و صف بندیها و سیاست هریک از جریانهای سیاسی و روشن تر شدن خط و مرزهای عقیدتی و طبقاتی تلاش زیادی در هدایت این امر داشته است. زمانی بود که حکومت اسلامی از آیت الله شریعتمداری تا منتظری و طالقانی و از نزیه و بازرگان تا بنی صدر و مجاهدین را زیر پوشش مشروعیت خود قرار داده بود. اکنون با مشخص تر شدن صفها "خط امام" فرصت یافته است برای بیرون ریختن همه عناصر غیر از خودی از حکومت و "صد در صد اسلامی کردن" آن اقدام نماید. حتی مشروعیت دیگران را نیز به زیر علامت سؤال کشد و چنانچه توانست، آن را پس بگیرد.

مجموع فعل و انفعالات جاری نشان می دهد که در ماههای آتی جریانهای لیبرال و سازشکار و بقایای پس مانده رژیم سابق هرچه بیشتر از راس دستگاه دولتی طرد خواهند شد. نیروهای چپ و مجاهدین نیز که از ابتدا در حاکمیت سهمی نداشتند. در ماههای آتی هنوز هم سیر گسترش یابنده تسخیر کامل قدرت دولتی توسط "پیروان خط امام" که اینک دیگر مرز بندی عقیدتی و مکتبی معینی را شامل می شوند، ادامه خواهد یافت.

پس گرفتن مواضع لیبرالها و بیرون ریختن بسیاری از آنان از حکومت، پاکسازی ادارات از عوامل رژیم سابق، دستگیری و مجازات عوامل رژیم سابق و عوامل

توطئه گر تأیید و پشتیبانی همه نیروهای آگاه و انقلابی و مبارز را همراه دارد. جهت عمومی این تصفیه ها و پیگیری هاست توجه طرد و سرکوب عوامل و کارگزاران رژیم شاه یا لیبرالهای سازشکار و یا خائن است. در این میان عناصر واپسگرا و قشری و یا جریانهای ضد کمونیستی که اسلام را وسیله دفاع از سرمایه داری قرار داده اند، می کوشند نیروهای انقلابی و پیشرو را هم تحت عنوان "پاکسازی" تصفیه و اخراج نمایند. نیروهای انقلابی و مبارز ضمن افشا و محکوم کردن این سیاستهای ضد کمونیستی و قشری و دفاع از کارکنانی که به اتهام انقلابی بودن اخراج شده اند، موظفاند جهت عمومی این تصفیه ها و طردها را برای مردم توضیح دهند و از ادامه و گسترش آن پشتیبانی نمایند. این اقدام قطعاً بسود مردم و به زیان امپریالیستها خواهد بود. این اقدام به شرطی واقعا ثمر بخش و سازنده خواهد بود که اولاً آن را با اخراج عناصر انقلابی همراه سازند، ثانیاً با محاکمه و مجازات قاطع و پیگیر یکایک عوامل توطئه گر و کارشکن همراه شود. مگر نه اینکه از هر کدام از آنان که رها شوند، یک بختیار، یا یک نزیه ساخته خواهد شد؟

اما آنچه تا اینجا گفته شد، تنها یک روی سکه است. روی دیگر آن بررسی مسئولانه سیاستهای دولتی است که در حال شکل گیری و همانگونه که قبلاً گفتیم از قبل حدوداً مشخص است که سمت و سوی آن کدام است؟ این بررسی از آنجا دارای اهمیت اساسی است که ما را دقیقاً متوجه خطر توطئه های امپریالیستی، کودتاها، یاغی گری خانها، حملات مرزی، بمب گذاریها و غیره خواهد کرد.

تجربه یکساله و نیم اخیر با نمونه های متعدد نشان داده است که عوامل وابسته و مرتجع وقتی از حکومت بیرون ریخته شدند، چنانچه دستگیر و محاکمه نشوند یا فراری خواهند شد و علناً به ضدیت با انقلاب برخوانند خاست یا آزاد خواهند گشت و پنهانی توطئه خواهند کرد. نباید گذاشت تیمسار مدنی ها زمانی تحت تعقیب قرار گیرند که دیگر چون بختیار و قشقائی مرغ از قفس پریده باشند.

مردم ما باید بدانند که هرگونه مسامحه و سازشکاری با عوامل توطئه گر، ساواکی ها، مزدوران امپریالیسم و جاسوسان آن، ثمرات انقلاب را در معرض خطرات جدی و در معرض نابودی قرار می دهد.

سیاستهای نفاق افکنانه بین مردم و دامن زدن به اختلافات فرعی و فراموش کردن دشمن اصلی همیشه دشمنان مردم زحمتکش ما را شاد کرده است. حزب جمهوری و بطور کلی طرفداران ولایت فقیه در یکسال و نیم اخیر تنها حملات خود را به سرکوب و طرد و محاکمه و مجازات "طاغوتیان" و "لیبرالها" که مسلماً جنبه ترقی خواهانه داشته است، محدود نکرده اند. آنان راه مقابله با نیروهای مترقی، انقلابی و دمکرات را نیز مدام توصیه می کنند. نتیجه این سیاست چه شده است؟ مگر نه اینکه آنها در تمام این مدت تلاش کردند تا خودشان را از حمایت میلیونها رزمنده انقلابی که بهترین پشتوانه و پشتیبان هر مبارزه ضد امپریالیستی، ضد لیبرالی و ضد سرمایه داری هستند، محروم سازند؟ این سیاست تفرقه افکنانه و انحصار طلبانه به پایه های حمایت نودهای از جمهوری اسلامی آسیب فراوان زده است و در مقابل به همان لیبرالهای خائن فرصت داده است در میان مردم دست به عوام فریبی بزنند و برای وعده های دروغین خود فضا را مساعد ببینند.

دولت و مجلس در آینده نیز احتمالاً به تبلیغات منفی علیه نیروهای انقلابی از جمله فدائیان و مجاهدین دامن می زنند. آنها با این اقدامات میلیونها مردم ایران را در برابر خود قرار می دهند و خود را از پشتیبانی آنان محروم می سازند. پراکنده شدن مردم از اطراف حکومت و بیم و هراس دولت و مجلس از اتکاء به نیروهای انقلابی اکنون دقیقاً تصویری از حکومت مصدق، آلنده، شیخ مجیب و دیگران را پیش روی ما گشوده است. از پیروزی ۳۰ تیر به پشتیبانی مردم تا شکست ۲۸ مرداد که به علت عدم شرکت فعال مردم در مبارزه علیه کودتا - گران تحقق یافت، تنها ۱۳ ماه فاصله بود. شیخ مجیب وقتی به بنگلادش وارد شد پنج میلیون به پیشواز او آمدند اما زمانی که توسط کودتاگران به شهادت رسید هیچ کس اطراف او نبود هرچند که تا ابد در قلبهای ملت بنگال باقی خواهد ماند.

وظیفه ماست که با مسئولیت تمام اولاً در جهت نزدیکی و گسترش همکاری و تفاهم همه نیروهای ضد امپریالیست با یکدیگر بکوشیم و چنان عمل کنیم که

واقعا و در عمل به توده ها نشان دهیم که فدائیان خلق بیش از پیش در راه جلوگیری از تخریب فضای فعالیت دمکراتیک و جلوگیری از تشدید جو اختناق و ایجاد نفاق و دودستگی میان صفوف مردم تلاش خواهند کرد و به دیگر نیروها نیز همواره هشدار خواهند داد که دشمن اصلی را هرگز فراموش نکنند و در برابر آن صف متحد خود را متلاشی سازند.

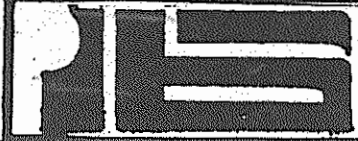
آیا کسانی که این چنین، به تشدید جو و هرج و مرج و درگیری و اغتشاش گم بستانند، با این اعمال خود زمینه ساز اصلی کودتا نخواهند بود؟ آیا آنها با این اعمال تیشه به ریشه خود نخواهند زد؟!

بنا به تجربه ای که از یکسال و نیم اخیر از آنان به دست آورده ایم، توجه یکجانبه روی مذهب و مذهبی کردن حکومت که با بی اعتنائی به اقتصاد بحران زده ما توأم شده است، فشاری کمرشکن را بر زندگی میلیونها هموطن زحمتکش ما وارد آورده و آنان را در چنگ خود اسیر ساخته است. هر روز که می گذرد، این سیاست و نیز عدم قاطعیت مقامات مسئول حکومت در انجام اصلاحات اجتماعی و اقتصادی، دردهای مردم زحمتکش ما مثل بیگاری، گرانی و خانه بدوشی را بیشتر کرده و بیش از پیش موجب گسترش ناراضی می گردد. هم اکنون چنانچه فوراً دولت جدید نکوشد تا برای درهم شکستن محاصره اقتصادی که بر خلق ما تحمیل کرده اند و بسیاری از کارخانجات تولیدی ما را بیکار کرده اند، با کشورهای سوسیالیستی که در مبارزه خلق ما علیه امپریالیسم از خلق ما حمایت می کنند، مناسبات دوستی و همکاری اقتصادی خود را گسترش دهد، چنانچه برای مقابله با کارشکنی و سودجویی سرمایه داران وابسته سرمایه های آنان را تماماً مصادره و ملی نکند، چنانچه هرچه زودتر تجارت خارجی را عهده دار نشود و دست واسطه ها را با تشکیل تعاونی های تولید و مصرف کوتاه سازد، چنانچه دست تجار میلیونر بازاری و محتکرین اجناس را از تجارت داخلی قاطعانه کوتاه سازد، بحران اقتصادی در ماههای آینده چنان گسترش خواهد یافت که بخشهای مهمی از کارگران، دهقانان و دیگر زحمتکشان میهنمان را بیکار خواهد کرد و بیش از پیش زیر فشار گرانی کمرشکن قرار خواهد داد و این درست همان چیزی است که امپریالیستهای امریکائی برای آغاز تعرض همه جانبه خود به انتظار آن نشستند.

مقامات جمهوری اسلامی و نمایندگان مجلس بی آنکه بیش از همه به فکر پیاده کردن برنامه های ضربتی برای نجات زندگی زحمتکشان باشند، به مسائل دیگر پرداختند. آنها با این سیاستهای خود عملاً انقلاب را به کوچهای بن بست هدایت می کنند. بن بست که فقط راه را برای بهره برداری امپریالیستها برای کودتای نظامی و روی کار آوردن یک حکومت وابسته باز خواهد کرد و دیری نخواهد پایید که درستی این قضاوت مانند آنچه که در مورد لزوم کنار گذاشتن ارتش شاه و نادرستی عفو ساواکی ها گفتیم در عمل به اثبات خواهد رسید.

وظیفه نیروهای انقلابی است که برای مردم توضیح دهند که این قبل از هر چیز امپریالیستهای امریکائی و متحدین داخلی آنان یعنی سرمایه داران بزرگ هستند که با تحمیل محاصره اقتصادی و کارشکنی در تولید و ضبط دارائی های ما کارگران را بیکار کرده است. ما باید به مردم توضیح دهیم که مجموعه آنها مسبب اصلی گرانی کمرشکن هستند تا امپریالیستها و عوامل مزدور آنها چون بختیار فرصت پیدا نکنند گناه بیگاری و گرانی را بر دوش مردمی بیندازند که رژیم شاه جنایتکار را ساقط کردند و بدین وسیله مردم را از ادامه مبارزه مایوس سازند و راه را برای کودتا و غلبه خود باز کنند. علاوه بر این وظیفه ماست که وسیعاً راه حل خود را برای تخفیف گرانی و بیگاری و رفع بحران اقتصادی و کاستن از وابستگی اقتصادی به امپریالیسم برای مردم توضیح دهیم تا قدرت خود را پشتوانه اعمال فشار بر حکومتی سازند که با بی توجهی و سهل انگاری خود نسبت به تشدید این بحران اقتصادی سرنوشت میلیونها هموطن ما را به مخاطره می افکنند. ما باید برای مردم توضیح دهیم و به همه بگوئیم که این سیاست، یا بهتر است، بگوئیم بی سیاستی، این شیوه برخورد با مسائل و مشکلات مردم تنها به این درد می خورد که راه را برای کودتای نظامی هموار کند.

این مجلس و دولتی که زمام امور را در دست خواهند گرفت تاکنون نه درباره مسئله ملی دز



کودتاگران اعتراف کردند؛ با این هدف شروع کردیم که فعالیت هائی علیه کمونیست ها انجام بدهیم

مردم بوده است. این سیاست بزرگترین عامل ضعف و پراکندگی نیروهای ضدامپریالیست و ترقیخواه و عمدهترین عامل بازدارنده اتحاد عمل نیروهای ضدامپریالیست با انقلابیون کمونیست است. همین سیاست نمیگذارد که استقلال سیاسی بدست آمده در جهت پیشبرد سیاستهای قرارگیرد که سعادت مردم و بهروزی زحمتکشان را تأمین می کند. این سیاست با تلاش و مبارزه متحد نیروهای ضدامپریالیست و انقلابیون کمونیست برای ساختن ایرانی آزاد و دمکراتیک، برای تحقق استقلال، کار، مسکن و آزادی در عمل دشمنی ورزیده و آن را به تعویق می اندازد. همین سیاست امروز نمیگذارد که سیاست استقرار صلح عادلانه در کردستان به نجام رسد تا نیروی رزمندگی خلق کرد و سازمانهای سیاسی متعلق به آن در مسیر متلاشی ساختن کانونهای مسلح بختیار - اویسی، پالیزبان، سالارچاف و ایادی رژیم عراق و امپریالیسم امریکا به خدمت گرفته شود.

سخنان افسر کودتاجی، 'نادروحدتی پور' جوهر سیاست مخرب نفاقافکنانه و وحدت شکنی را که می کوشد دشمنی با کمونیستها و در رأس آنان دشمنی با فدائیان خلق را اشاعه دهد، برملا ساخته است. جمهوری اسلامی ایران با در پیش گرفتن سیاستی که مرز دوستان و دشمنان مردم را با اعتقاد یا عدم اعتقاد به آئینهای اسلامی مشخص می کند، دشمنی با فدائیان خلق را تشویق و تبلیغ کرده و بزرگترین ضربات را به انقلاب مردم وارد ساخته است. امپریالیسم امریکا و متحدان آن بیشترین سود را تا کنون از این سیاست برده اند و حاصل آن برای مردم ما، پراکندگی، نفاق و درگیری و دشمنی گزوهی از مردم با گروهی دیگر از

وقت دارند نفوذ می کنند در مملکت بتوانیم در مقام مقابله با آنها برآئیم" و در جایی دیگر چنین گفت: "... با این هدف شروع کردیم که فعالیت هائی علیه کمونیستها انجام بدهیم" (انقلاب اسلامی ۲۶ تیر) از لابلای این سخنان دشمنی با کمونیستها بخوبی آشکار می شود. کودتاگران که در صدد بودند انقلاب مردم ما را درهم شکنند و سلطه امپریالیسم و ایادی آن را در میهن ما تحکیم بخشند و به تجربه می دانند که انقلابیون کمونیست در برابر اقدامات آنان تا پای چنان مقاومت خواهند کرد به این دلیل تلاش مذبوحانه کودتاگران برای بازگرداندن رژیم نمی تواند بدون دشمنی با کمونیستها به نتیجه برسد

نیروهای کمونیست در کوبا، ویتنام، آنگولا و سراسر جهان آنچنان ضربات سهمگینی بر پیکر فرتوت امپریالیسم وارد آورده اند که مبارزه بی رحمانه با آنان جستجو می کنند. مصاحبه تلویزیونی دو تن از افسران کودتاگر در چهارشنبه شب ۲۵ تیرماه بار دیگر درستی نظرات فوق را ثابت کرد. مردم شنیدند که "نادروحدتی پور" یکی از افسرانی که در توطئه کودتا شرکت داشت، در صحبت هایش ماهیت ضد کمونیستی خود و دیگر همفکران خود را چگونه بیان کرد. او گفت: "... در یکی از روزها صحبت هائی شد که می خواهیم تشکیلاتی بدهیم علیه کمونیستها تا کمونیست ها هر

کودتای امریکائی اخیر بار دیگر صحت هشدارهای مکرر سازمان ما را به اثبات رساند و نشان داد که امپریالیسم جهانی بسرکردگی امپریالیسم امریکا یکدم از فعالیت های خود علیه مبارزات ضد امپریالیستی مردم میهن ما دست برنمی دارد. امپریالیسم امریکا که از مبارزات شکوهمند کارگران و زحمتکشان ایران ضربات سختی خورده است، کوشش دارد که با روی کار آوردن یک حکومت دست نشانده، موقعیت خود را بار دیگر در میهن ما مستحکم سازد و در این راه بدرستی کمونیستها را پیگیرترین دشمنان خود میدانند. امپریالیستها به تجربه و در طول سالیان دراز دریافته اند که انقلابیون کمونیست سرسخت ترین دشمنان سرمایه داری می باشند.

اعدام فدائی خلق رفیق فرامرز حمید، لکه ننگی بر دامن رژیم جمهوری اسلامی است

ضدامپریالیست است که می تواند جلوی تکرار فاجعه را بگیرد. در این میان رفقای هوادار سازمان موظفند که: الف - به افشای پیگیر اینگونه اعمال جنایتکارانه بپردازند و ماهیت جریان هائی را که چنین دست به کشتار انقلابیون و مبارزین می زنند، به توده ها بتناسانند. رفقای ما باید با حفظ هوشیاری انقلابی ارتباط این رشته اعمال را در رابطه با منافع طبقه سرمایه دار وابسته ایران و امپریالیسم جهانی به توده ها بنمایانند و مجریان این اعمال را افشاء و رسوا سازند. ب - باید با حفظ خونسردی انقلابی خط و مرز روشنی بین خود و دیگر نیروهای ماجراجو و انقلابی نما که با ایجاد تشنج بیهوده و بی هدف سعی در دامن زدن به تضادهای فرعی و نابود کردن جو دمکراتیک شهر دارند، بکشند و با برخوردی مسئولانه و انقلابی از هرگونه همکاری با این نیروها اجتناب نمایند. پ - هواداران سازمان باید شعار "دادگاه علنی دستگیرشدگان وقایع دانشگاه و خیابان تختی" را به میان بکشند و با افشای محاکمه سری انقلابیون که بدون کوچکترین مدرک و دلیلی به جوخه های اعدام سپرده می شوند و نیز با افشای گردانندگان دادگاه های انقلاب اسلامی و صادر کنندگان این احکام که ماهیت و سابقه شان چندان روشن و آشکار نیست، به وظائف انقلابی خویش جامه عمل بپوشانند!

شکوفان باد خون سرخ شهدای خلق
مرگ بر امپریالیسم جهانی بسرکردگی امپریالیسم امریکا

سازمان چریکهای فدائی خلق ایران (اکثریت)
شاخه گیلان - ۲۳ تیر ۵۹

زحمتکشان ایران، مردم آزاده گیلان!
بامداد دوشنبه ۲۳ تیرماه ۵۹ فدائی خلق رفیق فرامرز حمید دانشجوی انقلابی، طبق حکم دادگاه انقلاب اسلامی شهر رشت به جوخه اعدام سپرده شد. رژیم جمهوری اسلامی طی ۱۷ ماه اخیر در زیر پوشش مبارزه با ضدانقلاب دهها رفیق فدائی و مدافعین آرمان طبقه کارگر را به جرم آنکه زندگی خویش را وقف آگاهی و بهبودی و بهروزی زحمتکشان ایران کرده بودند، به جوخه های آتش سپرده است. این اعدام های جنایتکارانه ضربات بی شماری به انقلاب شکوهمند خلقهای ایران وارد آورده است. این جنایات نفرت تمامی مردمی را که قلبشان برای ایرانی آزادی و دمکراتیک می تپد، برانگیخته است. جلادانی که حکم اعدام فدائیان خلق فرامرز حمید در رشت، دکتر نریمی سا در اهواز، فرشته گل عنبریان و ... در سنندج و رفقا شوشتری و منوچهری در اهواز را صادر کرده اند، هرگز نخواهند توانست از خشم عادلانه خلق کبیر ایران بگریزند. دستگیری مبارزان و هجوم به خانه های انقلابیون، بسیج دسته های چماق دار و مزدور، برجیدن دهکها در لاهیجان و ... در شرایط فقر و فلاکت، گرانی و بدبختی توده های زحمتکش ما، عملاً سیاست ارتجاعی ای را پیش می برند که بیش از پیش به حیثیت انقلاب خلق ضربه می زنند. هم اکنون تعدادی دیگر از مبارزین دستگیر شده در جریان وقایع دانشگاه و خیابان تختی طبق اخبار رسیده در خطر اعدام قرار دارند و زمره هائی در مورد اعدام این مبارزین پس از اعدام ناهوادمردانه فدائی خلق رفیق فرامرز حمید به گوش می رسد. تنها هوشیاری و پایداری شما مردم مبارز به همراهی دیگر انقلابیون و نیروهای ترقیخواه و

بسیج مسلح توده ها ضامن پیروزی خلقهای ماست

سیاست دولت زحمتکشان را از خوردن گوشت محروم کرد

آقای بنی صدر بدنبال وعده‌های فراوانی که قبلا داده بود، روز ۱۲ فروردین ماه یعنی حدود ۴ ماه قبل در مراسم سالگرد تاسیس جمهوری اسلامی در میدان آزادی تهران چندین بار از ارزانی و فراوانی مایحتاج روزمره مردم صحبت کرد. ایشان در میان احساسات مردم ناراضی و نگران از نان و گوشت و داروی آرزان و فراوان سخن گفت و وعده تامین این نیازهای حیاتی را داد و از آن به بعد نیز تقریبا در تمام سخنرانی‌ها و مصاحبه‌ها سخن از حل مشکل مسکن و گوشت و نان و دارو می‌رود ولی عملا عدم برخورد جدی دولت با این مشکلات منجر به افزایش سرسام‌آور قیمت‌ها شده است اکنون دیگر زحمتکشان نه تنها به این وعده و وعیدها اعتمادی ندارند بلکه به تجربه دریافته‌اند که هرگاه سخن از فراوانی و ارزانی می‌شود در عمل گرانی و محرومیت بیشتر نصیبشان می‌گردد. آنها به وضوح دیدند که دولت چگونه با ارائه "راه حل" مشکل نان و گوشت و مسکن موجب گرانی بیشتر شد. آنها دیدند که طرح دولت، گوشت را بین ۲۳٪ تا ۹۳٪ گران‌تر کرد. مثلا گوشت مصرفی زحمتکشان که قبلا کیلوئی ۱۳ تومان بود به ۲۵ تومان رسید یعنی ۸۱٪ گران‌تر از قبل شده است. این سیاست‌های دولت در زمینه حل مسئله گوشت منجر به بروز مشکلات و ناراحتی‌هایی برای زحمتکشان شده است که مختصرا بدانها اشاره میکنیم:

- ۱- به علت اینکه زحمتکشان گوشت کیلوئی ۲۵ تومان و ۴۰ تومان و... را نمی‌توانند بخرند، طبعا دیگر جلوی قصابی‌ها پیدایشان نشده و از صفهای طویل خبری نیست همان صفهایی که ساعاتی قبل از باز شدن قصابی‌ها با دردست داشتن شماره تشکیل میشد.
- ۲- قبلا تعدادی از خانواده‌های کم درآمد گوشت کیلوئی ۱۳ تومان را می‌توانستند بخرند ولی حالا نمی‌توانند. آقای بنی‌صدر در صحبت‌هایش وعده "برابری" و رفع تبعیض به مردم می‌دهد اما بجای اینکه کاری بکند که تعداد بیشتری از مردم گوشت را کیلوئی ۱۳ تومان بخرند، آن را گران می‌کند که آنهایی هم که قبلا

می‌توانستند با این قیمت گوشت بخورند از آن محروم شده و در عوض هرکس که خواست گوشت بخورد باید حداقل کیلوئی ۲۵ تومان بپردازد و بدین طریق در خریدن گوشت گران همه با هم "برابر" شوند!

- ۳- نرخ جدید گوشت باعث شده که قصابی‌ها خلوت شده و قصابهایی که قبلا سهمیه خود را ظرف یکی دو ساعت می‌فروختند حالا مدت زیادتری طول می‌کشد و یا اینکه تعدادی از آنها را به کشتی‌ها باز می‌گردانند و... دی دیگر نیز می‌ماند و فاسد می‌شود.
- ۴- قصابی‌های جنوب شهر به این امر اعتراض دارند و حتی اعتراضات جمعی خود را نیز به گوش مقامات دولتی رسانیده‌اند مثلا یکی از قصابهای میدان شوش در برخورد با خبرنگاران ما در یخچالش را باز کرد و گوشتها را نشان داد و گفت: "این گوشتها مانده است و کسی نمی‌آید بخرد. یک ساعت دیگر می‌ماند و خشک می‌شود باید ضررش را هم بدهیم"

وضع کاملا راضی هستند.

- ۷- قیمت بعضی از غذاها مثل آبگوشت در قهوه‌خانه‌ها و کباب کوبیده که بیشتر زحمتکشان آن را می‌خورند با گران شدن گوشت گران شده است.
- ۸- عده‌ای از مردم که توان خریدن گوشت را ندارند به میوه‌جات ارزان قیمت مثل طالبی لهیده کیلوئی ۲۰ ریال، سیب درجه ۳ و ۴ و انواع سبزیجات و غیره روی آورده‌اند ولی بخاطر ماه رمضان و ایام روزه‌داری گرانی گوشت به مراتب سخت‌تر و تحمل‌ناپذیرتر از گذشته است.
- ۹- عده‌ای از خانواده‌های کم درآمد به شیوه‌خودشان قیمت‌ها را شکسته‌اند یعنی اینکه قبلا گوشت کیلوئی ۱۳ تومان بود و آنها می‌توانستند هفته‌ای یکبار و آنهم یک کیلو گوشت بخورند اما حالا که قیمت آن حداقل ۲۵ تومان شده فقط نصف مقدار قبلی را می‌توانند بخرند و بقیه را از جان خودشان مایه می‌گذارند.

"خوب بود دولت از قصاب‌ها دعوت می‌کرد و با آنها صحبت می‌کرد و بعد نرخ گوشت را اعلام می‌کرد. آقا! توی این مملکت هرکی هرکی شده انگار آدم‌های دولت توی مردم نیستند و نمی‌فهمند دارند چکار می‌کنند"

از پیرمرد کفاشی که کنار خیابان کفش واکس می‌زد پرسیدم:

"با وضع گرانی گوشت چکار می‌کنی؟"

پیرمرد خیلی راحت گفت: "ما فقط بو می‌کشیم، کار ما شده است بو کشیدن".

در خیابان جمادی‌الحق راه آهن، خانمی که آمده بود گوشت بخرد گفت:

"همین نان و گوشت بود که برای ما مانده بود، گوشت را هم که از دستمان درآورده‌اند، حالا مانده است نان".

پرسیدم:

"با گرانی گوشت چکار می‌کنید؟"

"چکار می‌توانیم بکنیم، نان می‌خوریم، همایش نان بربری و چای شیرین".

پرسیدم:

"با این گرانی روزه گرفتن کم آدم را می‌شکند. بدون گوشت نمی‌شود طاقت بیاوری، لااقل باید دو سه روزی یک بار، یک ذره گوشت خورد، آدم از حال می‌رود، با نان و چای شیرین که نمی‌شود روزه گرفت".

"ما داریم به جای زندگی بند بازی می‌کنیم، با ۲۰۰۰ تومان باید اجاره بدهیم و با این گرانی شکم ۷ سر عائله را سیر کنیم".

کارگر جهامی توی میدان گمرک می‌گفت:

"ما فقط نگاه می‌کنیم، چکار می‌توانیم بکنیم، ما که زورمان به کسی نمی‌رسد".

پیر مرد دستفروشی می‌گفت:

"آقا به آدم نمی‌رسند، هیچ‌کس به داد ما نمی‌رسد".

پیر مردی می‌گفت:

"ما شده‌ایم گوسفند، هر چی می‌زنند توی سرمان، هی سرمان را می‌بریم پائین‌تر گوشت کیلوئی ۴۰ تومان را نمی‌خوریم، روغن حلبی ۱۰۰ تومان را می‌گوئیم نمی‌خوریم، برنج کیلوئی ۱۸ تومان را می‌گوئیم نمی‌خوریم سیگار بسته‌ای ۱۲ تومان را می‌گوئیم نمی‌کشیم، ما دیگر چکار می‌توانیم بکنیم".

توضیح

در "کار" ۶۴ در مقاله "آقای رئیس‌جمهور! زیر شعار شورایی‌شورا ضد انقلاب در صنعت نفت..." در آنجا که می‌گوید "مدتها است (از قیام تا به امروز) که بخشهایی از صنعت نفت آبادان مثل قسمت تولید نفت سفید که تحت مسئولیت همین روسای سرسریده قرار دارند، حتی قطره‌ای نفت سفید تولید نکرده است." در واقع به این صورت است که "قسمت (S02-N04) - انیدریدسولفور شماره ۴ که کارش این است که گوگرد موجود در گاز مصرفی پالایشگاه را گرفته از آن برای ساختن S04H2 و S02 (اسید سولفوریک) استفاده می‌کند و سپس این اسید سولفوریک را به نفت سفید حاصل از برج تقطیر می‌زند تا ترکیبات "مراکپتان" را که وجودش در نفت سفید باعث بدسوزی و دوده‌دادن نفت سفید در هنگام سوختن می‌شود، بگیرد - این قسمت است که از قیام تا به امروز به خاطر کارشکنی‌های لیبرال‌ها و روسا به کار نیفتاده است و عدم کارکرد این قسمت باعث عدم تولید نفت سفید نمی‌شود بلکه باعث پائین آمدن مرغوبیت نفت سفید می‌شود".

"من شوهرم مقنی است. چاه می‌کند، دوروز کار دارد سه روز بیکار است! سرجمع روزی ۶۰ - ۷۰ تومان درآمد دارد، بیائید این ۶۰ - ۷۰ تومان را بگذارید جلوی این وزیر وزراء و بهشان بگوئید شما به جای ما با این مقدار پول ۷۰۰ تومان اجاره اطاق بدهید، پول آب و برق ماهیانه را بدهید و شکم ۴ تا بچه را هم سیر کنید".

پای صحبت مردم

وقتی با مردم زحمتکش کوچه و بازار راجع به مشکلاتشان و بخصوص مسئله گوشت و مسکن و گرانی و بیکاری صحبت می‌کنیم، همه دردمند هستند و شکایت دارند همه به اوضاع و احوال اعتراض می‌کنند. وقتی با یکی از قصاب‌های خانی‌آباد صحبت می‌کردیم، درحالیکه گوشت‌های به اصطلاح بادکرده و روی دست مانده‌اش را نشان میداد با تلخی گفت:

- ۵- مشتریان قصابی‌ها عوض شده‌اند. قبلا زحمتکشان در مقابل قصابی‌ها صف می‌بستند ولی اکنون کسانی که قدرت خرید کافی دارند گوشت می‌خرند.
- ۶- قیمت گوشت در بازار آزاد پائین آمده که در مجموع به نفع پولدارهاست یعنی قبلا از بازار آزاد گوشت را بین کیلوئی ۶۰ تا ۹۰ تومان می‌خریدند و بقول معروف ککشان هم نمی‌گرید و حالا همان گوشت را در غیاب زحمتکشان به قیمت ۲۵ تا ۴۰ تومان می‌خرند و از این

گسترده باد همگامی و همکاری

همه‌نیر و هائی که در راه ایرانی آزاد و دمکراتیک مبارزه می‌کنند

گرمائی دردنی درمان
سرمایه داری وابسته
(قسمت دوم)

تاجران سرمایه دار از برکت گرانی میلیونتر
و زحمتکشان فقیرتر میشوند

تورم فزاینده‌ای که در سالهای پیش از قیام اقتصاد ایران را فرا گرفته بود، پس از قیام بهمن ۵۷ به شدت تشدید شده و در کنار آن نرخ بیکاری رو به افزایش نهاده است. تشدید تورم نتیجه عملکرد نظام سرمایه‌داری وابسته از یک سوی و ناتوانی حاکمیت در حل بحران اقتصادی بوده است. امپریالیسم جهانی به سرکردگی امپریالیسم آمریکا با همدستی سرمایه‌داران صنعتی و تجاری وابسته آتش توری را برافروخته است که شعله‌های آن تمامی اقتصاد وابسته میهن ما را در بر گرفته است. سرمایه‌داران وابسته با کاهش تولید، انتقال سرمایه به خارج و احتکار به کمیابی کالاها دامن زده‌اند، سودهای کلان کسب می‌کنند و کارگران و زحمتکشان میهن ما را تحت شدیدترین فشار قرار داده‌اند. حاکمیت نیز که گاه این سیاست و گاه آن سیاست را دنبال کرده است، نه تنها نتوانسته است تورم دم‌افزون را مهار کند خود نیز بدان افزوده است.

چرخش اقتصاد وابسته ایران بر اساس دو محور اصلی است:

صادرات نفت خام
واردات وسائل تولید (مواد اولیه صنعتی قطعات منفصله، ماشین‌آلات و ابزار) بیش از ۳۰٪ "تولید ملی" ایران را در سالهای گذشته صادرات نفت خام تشکیل می‌داده است و بخش عظیمی از ۷۰٪ بقیه بر گردش و توزیع درآمد نفت در اقتصاد وابسته ایران متکی بوده است در بودجه سال ۱۳۵۹ قرار بر این بوده است که ۷۴٪ از درآمد دولت از محل صادرات نفت خام تامین گردد. در بودجه ۱۳۵۸ نیز وضع به همین منوال بوده است.

صنایع ایران از لحاظ مواد اولیه، قطعات منفصله ماشین‌آلات و لوازم یدکی به شرکت‌های انحصاری کشورهای امپریالیستی وابسته است. در سال ۱۳۵۶ ۵۴٪ از ۱۴ میلیارد دلار (نزدیک به ۱۵۰۰ میلیارد ریال) واردات ایران (به جز تجهیزات نظامی) را مواد اولیه و کالاهای واسطه تشکیل می‌داده است که بخش اعظم آن، یعنی ۴۷٪ از کل واردات، مواد و کالاهای صنعتی بوده است که مورد استفاده بخش صنعت و ساختمان قرار گرفته است. اگر ۲۷٪ واردات "کالاهای سرمایه‌ای" (یعنی ماشین‌آلات و ابزار) را به آن بیفزاییم، ۸۱٪ از واردات ایران مواد اولیه،

قطعات منفصله، ماشین‌آلات و لوازم یدکی بوده است که تقریباً تمامی آن از انحصارات امپریالیستی جهان خریداری می‌شده است. در همین سال (۱۳۵۶) ۵۱٪ از واردات ایران (بجز تجهیزات نظامی) از سه کشور آلمان غربی، ژاپن و ایالات متحده بوده است و اگر سهم انگلستان، ایتالیا، فرانسه و هلند را بدان بیفزاییم این رقم به ۷۱٪ می‌رسد صنایعی مانند صنایع شیمیائی و داروئی برق و الکترونیک، اتومبیل‌سازی، نورد

و فلزات بطور کامل برای واردات مواد اولیه و قطعات منفصله به شرکت‌های امپریالیستی وابسته‌اند برای پی بردن به عمق و حدود وابستگی در صنایع ایران به دو نمونه از رشته‌های تولیدی که ظاهراً چندان وابسته به نظر نمی‌رسند، اشاره می‌کنیم:

* در کبریت‌سازی مواد صنعتی زیر: آنیون، اکسید آهن، اکسید دوزنگ، فسفر چسب‌نئوپان، چسب مقوا، کلرات دوپتاس، چوب‌کبریت و مقوای سفید از آلمان غربی، هلند، سوئد، فنلاند و ژاپن تامین می‌شده است.

* در کابل‌سازی مواد صنعتی زیر: مس، نوار آلومینیومی، پلی‌استر، پی. وی. سی.، روغن اونیل، کربنات کلسیم، تیتان دی‌اکسید، استابلیزر، مفتول و نوار فولادی و انواع رنگها از ژاپن، سوئد، آلمان غربی، فرانسه، سوئیس و هلند وارد می‌شده است.

بدین ترتیب، حرکت چرخهای اقتصادی ایران در رابطه با پیوندهای عمیق و گسترده‌ای است که اقتصاد وابسته ایران را از طریق انحصارات نفتی، صنعتی، بانکی و خدمات (مانند حمل و نقل) به شبکه روابط امپریالیستی وابسته ساخته است. قیام پرشکوه بهمن ۵۷ بر بسیاری از پیوندهای امپریالیستی سرمایه‌داری وابسته ایران ضرباتی وارد کرد. بانکهای وابسته که جریان اعتبارات را برای تسهیل پروسه انباشت سرمایه‌های وابسته برعهده داشتند، از کار افتاده بودند. صنایع وابسته از تولید باز ایستاده بودند. بسیاری از سرمایه‌داران وابسته از ایران گریخته بودند و بسیاری از پیوندهای مالی، تجاری و فنی این صنایع دچار ضربه شده و مختل شده بود. بروز اختلال در هر یک از این پیوندها باعث وقفه شدید در صنایع وابسته و در اقتصاد وابسته ایران می‌شود. برخی از این صنایع تامین کننده محصولات مصرفی هستند و برخی دیگر تولید کننده وسایل تولید. بروز وقفه در صنایع نخست مستقیماً بر قیمت مواد مصرفی تاثیر گذار است و وقفه در صنایع تامین کننده وسائل تولید تاثیر گسترده و غیر مستقیم بر قیمت مواد مصرفی دارد.

گذشته از این نامطمئن سرمایه‌نسبت به اوضاع سیاسی و اقتصادی نیز باعث کاهش عمومی سرمایه‌گذاری، کاهش اشتغال و تولید و افزایش بیکاری شده است.

سرمایه در جستجوی سود است و به دنبال "محیط مساعد" برای کسب سود می‌گردد. کارگران و زحمتکشان از طریق شوراها و سازمانهای انقلابی با بالا بردن سطح آگاهی و تشکل توده‌ها، سلطه سرمایه وابسته را مورد تهاجم قرار داده‌اند. سرمایه‌داران که جو را "نامساعد" تشخیص می‌دهند، دست به

خرابکاری زده، سرمایه خود را خارج می‌کنند یا در تولید به کار نمی‌اندازند. کمیابی و گرانی روز افزون کالاها زمینه انتقال سرمایه‌های تولیدی را به تجارت هرچه بیشتر فراهم ساخته است. در تجارت سرمایه‌دار نه خود را مقابل خواستهای شورای کارگران می‌یابد و نه از جانب قانون - به اصطلاح - ملو، کردن صنایع خطری احساس می‌کند. گذشته از آن کمبود کالا در بازار نرخ‌های سود شگفت‌آوری را برای سرمایه تجاری فراهم می‌سازد. انحصارات تجاری با احتکار تولیدات داخلی و تنظیم واردات، از طریق افزایش روز - افزون قیمت‌ها، سودهای کلان به جیب می‌زنند.

بدین ترتیب می‌بینیم که گرانی و بیکاری نتیجه خودبخودی عملکرد سرمایه‌داری وابسته در ماههای پس از قیام بوده است و این درست همان وضعی است که امپریالیسم جهانی به سرکردگی امپریالیسم آمریکا می‌کوشد برای مقابله با جنبش انقلابی کارگران و زحمتکشان ایران از آن بهره جوید. این وضعی است که به سرمایه‌داران وابسته و نمایندگان آنان فرصت می‌دهد که گرانی و بیکاری را نتیجه مبارزات ضد امپریالیستی و حق طلبانه کارگران و زحمتکشان قلمداد کنند. سرمایه‌داران وابسته در حالیکه از این بازار آشفته سودهای حیرت‌انگیزه جیب می‌زنند، مقابله با گرانی و بیکاری را در گرو تثبیت سرمایه‌داری وابسته ایران قلمداد می‌کنند. تورم روز افزون، بیکاری خانمانسور همراه با ناتوانی حاکمیت در حل بحران اقتصادی جامعه پیوسته از پایگاه توده‌های حاکمیت می‌کاهد. از یک سوی نیروهای مترزل و سازشکار به سوی لیبرالها و سیاست‌های تثبیت سرمایه‌داری وابسته آن گرایش می‌یابند و از سوی دیگر کارگران و زحمتکشان، پیگیر در مبارزه ضد امپریالیستی خود و در پی یافتن راهی اساسی برای محو کامل سلطه امپریالیسم که در گرو براندازی نظام سرمایه‌داری وابسته ایران است، به پیش می‌تازند. جناح مسلط در حاکمیت که به علت پایگاه طبقاتی‌اش از درک قانونمندی مبارزه ضد امپریالیستی عاجز است، بیهوده می‌کوشد بدون تغییر در ساخت سرمایه‌داری وابسته، مدینه فاضله‌ای را که از "روزگار خوش" گذشته در ذهن دارد، به قول خود "پیاده کند". در این راه از یک‌سوی خود را مورد تعرض لیبرالها می‌بیند و هر از گاه نیروی توده‌ای خود را در جهت تضعیف این جناح در حاکمیت بسیج می‌کند و از سوی دیگر خطری اساسی را از جانب مبارزات پیگیر کارگران و زحمتکشان و سازمان‌های انقلابی آنها احساس می‌کند و پیوسته در پی تضعیف و سرکوب آنهاست. در این مجموعه تضادهاست که امپریالیسم سیاست تقابل خود را در زمینه‌های سیاسی و اقتصادی تدارک می‌بیند

سیاست امپریالیسم
و تشدید گرانی

سیاست عمومی امپریالیسم در مقابله با جنبش انقلابی ایران اساساً تنظیم فشارهای گوناگون بر اقتصاد وابسته ایران است به ترتیبی که نیروهای انقلابی منزوی شوند، نیروهای اصلاح - طلب تضعیف گردند و نمایندگان سرمایه‌داران قدرت را قبضه کنند. این سیاستی است که امپریالیسم آمریکا با همدستی دیگر نیروهای امپریالیستی پس از روی کار آمدن آلنده در شیلی به کار گرفت. این سیاستی است که در طی مبارزات خلق نیکاراگوئه از جانب امپریالیسم آمریکا به کار بسته شد و پس از سرنگونی سوموزا دنبال شده است. این سیاستی است که امپریالیسم آمریکا در ماههای پیش از قیام و پس از آن برای مهار و سرکوب کردن جنبش انقلابی ایران به کار گرفته است. در این مجموعه است که می‌توانیم سیاست تحریم اقتصادی ایران توسط امپریالیسم جهانی بسرکردگی امپریالیسم آمریکا را مورد بررسی قرار دهیم و اثرات آن را بر مسئله گرانی ارزیابی کنیم.

از نخستین ماه‌های پس از قیام بهمن ۵۷ امپریالیسم جهانی به سرکردگی امپریالیسم آمریکا و با همدستی سرمایه‌داران وابسته کوشیده است با ایجاد اختلال در شبکه تجاری، بانکی و حمل و نقل امواج سریعی را به اقتصاد ایران سرایت دهد. برای مثال بسیاری از شرکت‌های انحصاری کشورهای امپریالیستی از فروش مواد صنعتی و قطعات منفصله و یدکی به ایران سر باز زده‌اند و در مواردی که به فروش این کالاها ادامه داده‌اند، قیمت آن را به چند برابر افزوده‌اند. خلیج فارس را منطقه جنگی اعلام کرده‌اند و هزینه حمل و نقل و نرخ بیمه محصولات را به مقصد ایران شدیداً افزایش داده‌اند. برخلاف گذشته که تنها ۱۵٪ از قیمت کالاها به صورت سپرده پرداخت می‌شد تمامی قیمت کالاها سفارش شده را به صورت پیش پرداخت طلب کرده‌اند. تمامی این سیاست‌ها باعث تشدید اختلال در صنایع وابسته ایران، ناپایی کالاها، افزایش قیمت‌ها و افزایش بیکاری شده است.

این سؤال در اینجا مطرح می‌شود که چرا امپریالیسم جهانی و به ویژه سرکرده آن امپریالیسم آمریکا از نخستین روزهای پس از قیام سیاست تحریم اقتصادی ایران را دنبال نکرد؟ پاسخ این سؤال را با توجه به اعتلای جنبش انقلابی و صف‌بندی نیروها در آن زمان می‌توان دریافت. تحریم کامل اقتصادی ایران در آن زمان زمینه عمل نمایندگان سرمایه‌داران را در حاکمیت محدود می‌کرد و به علت وجود اعتلای انقلابی در جامعه هرگونه شدت عملی از جانب

بقیه در صفحه ۱۵

استقلال - کار - مسکن - آزادی



اخبار کارگری

دوب آهن اصفهان
اتحاد کارگران و کارمندان جزء با
تحکیم شوراها گسترش می یابد
در صفحه ۱۱

دراثر انفجار کوره آهک بزی ۵ نفر از
کارگران جان خود را از دست دادند
در صفحه ۱۱

نظام پوسیده سرمایه داری یکبار دیگر
زحمتکش را به قربانی گرفت
در صفحه ۱۲

شورا خواهان تصفیه انقلابی مدیران است

و معین فر خواهان پاکسازی شورا!

شورای اسلامی کارکنان پخش در جلسه مجمع عمومی اش در تاریخ ۱۵ خرداد حکم تعلیق ده تن از مدیران و روسای این قسمت را به تصویب رساند از همان روزهای قیام و همزمان با شکل گیری شوراها، مسئله لزوم تصفیه انقلابی این مدیران در میان کارکنان قسمت پخش مطرح شده بود و به دنبال آن چندبار شورای پخش طی قطعنامه های خود خواهان پاکسازی این افراد شده بود اما نه تنها اقدامات شورا در این مدت به نتیجه نرسید بلکه هر بار نیز به عناوین مختلف اعضای شورا بخاطر پافشاری در مورد تصفیه انقلابی این عناصر، تحت فشار مقامات مسئول قرار می گرفتند. کارکنان پخش بر اساس تجربه چندساله شان و شناختی که از این افراد طی سالیان دراز کار با آنها داشته اند، وجود آنها را در راس بخش وسیعی از این صنعت (که تنها در پخش حدود ۱۲ هزار نفر کارگر و کارمند دارد) مانعی در راه مبارزه با سیستم اداری حاکم بر صنعت نفت و مبارزه با بقایای مدیریت بورژوازی این صنعت می دانستند مدیرانی که در کنار دکتر اقبال ها، انصاری ها و غیره قراردادهای اسارتبار را با شرکت های مختلف انگلیسی، امریکائی، فرانسوی، ژاپنی و ایتالیائی امضا و اجرا می کردند.

شورای اسلامی کارکنان پخش در جلسه مجمع عمومی اش در تاریخ ۱۵ خرداد حکم تعلیق ده تن از مدیران و روسای این قسمت را به تصویب رساند از همان روزهای قیام و همزمان با شکل گیری شوراها، مسئله لزوم تصفیه انقلابی این مدیران در میان کارکنان قسمت پخش مطرح شده بود و به دنبال آن چندبار شورای پخش طی قطعنامه های خود خواهان پاکسازی این افراد شده بود اما نه تنها اقدامات شورا در این مدت به نتیجه نرسید بلکه هر بار نیز به عناوین مختلف اعضای شورا بخاطر پافشاری در مورد تصفیه انقلابی این عناصر، تحت فشار مقامات مسئول قرار می گرفتند. کارکنان پخش بر اساس تجربه چندساله شان و شناختی که از این افراد طی سالیان دراز کار با آنها داشته اند، وجود آنها را در راس بخش وسیعی از این صنعت (که تنها در پخش حدود ۱۲ هزار نفر کارگر و کارمند دارد) مانعی در راه مبارزه با سیستم اداری حاکم بر صنعت نفت و مبارزه با بقایای مدیریت بورژوازی این صنعت می دانستند مدیرانی که در کنار دکتر اقبال ها، انصاری ها و غیره قراردادهای اسارتبار را با شرکت های مختلف انگلیسی، امریکائی، فرانسوی، ژاپنی و ایتالیائی امضا و اجرا می کردند.

تحت عناوین مختلف شورا انجمن و غیره بر حذر داشت و در آن وعده تعقیب متخلفین را داد. متعاقب آن در تاریخ ۲۲ خرداد طی اطلاعیه دیگری که این بار نه عنوان "خواهران و برادران" را داشت و نه در پایان آن امضای "برادر خیرخواه همه" را و در عوض بعنوان اقدامی متقابل حکم تعلیق ده نفر از اعضای شورای پخش را صادر کرد پرونده آنها را در اختیار کمیسیون پاکسازی قرار داد و به کمیسیون یک هفته مهلت داد تا به پرونده آنان رسیدگی کند و با این عمل خود نشان داد که تمایلی به رفع بحران صنعت نفت (که قبل از هر چیز ناشی از سیستم مدیریت بورژوازی در این صنعت است) ندارد و نشان داد که در صف آنتهای است که کمر به از هم پاشیدن شوراها و تحکیم سیستم فاسد و ضدکارگری مدیریت کنونی بسته اند. غافل از آنکه شوراها صنعت نفت روز به روز مصمم تر و آگاه تر در جریان مبارزه برای قطع وابستگی اقتصادی و لغو قراردادهای اسارتبار امپریالیستی در می یابند که بعنوان نخستین گام عملی و موثر باید با پاکسازی و تصفیه انقلابی مدیریت سرسپرده و سازشکار صنعت نفت و ضوابط ضدکارگری و ضد شورائی سیستم مدیریت و جایگزینی سیستم مردمی و انقلابی برای اداره صنعت نفت این مبارزه را به نحوی پیگیرانه به پیش برند.

اجرای انقلابی

خواست ۴۰ ساعت کار در هفته در ۵ کارخانه بزرگ گیلان

پارس توشیبا در جهت به اجرا درآوردن این شعار حرکت کرده و موفق شدند، عبارتند از: ایران کنف، کنف کار شیمکو، سیمکو و یورتان

ایران کنف

پس از اجرای طرح ۴۰ ساعت کار در پارس توشیبا، در کارخانه ایران کنف که متجاوز از ۶۰۰ کارگر دارد، کارگران چه بصورت شفاهی و چه با چسباندن تراکت در نقاط مختلف کارخانه، از شورا خواستار به اجرا درآوردن ۴۰ ساعت کار در هفته شدند و شورای کارخانه نیز ضمن تأیید این خواست عمومی به اتکای حمایت همگانی کارگران، در اولین هفته خرداد ماه طی اطلاعیه ای اجرای ۴۰ ساعت کار در هفته را به کلیه کارگران اعلام می نماید و پنجشنبه ها را تعطیل می کند. مقامات شورا سعی می کنند با کسر دستمزد روزهای پنجشنبه کارگران، شورا را وادار به عقب نشینی نمایند ولی کارگران با اعتصاب یکروزه خود در اول تیرماه مدیریت کارخانه و مسئولین استان را وادار به پذیرش خواست کارگران می کنند.

کارخانه کنف کار

این کارخانه که با متجاوز از ۵۰۰ کارگر از قدیمی ترین کارخانجات گیلان است، در جنب کارخانه ایران کنف قرار دارد و بدنبال موفقیت کارگران پارس توشیبا و ایران کنف، خواست ۴۰ ساعت کار را مطرح می کند کارگران همانند کارخانه ایران کنف از شورای کارخانه خواستار به

شعار ۴۰ ساعت کار در هفته از جمله شعارهای اساسی کارگران در مرحله کنونی مبارزات صنفی-سیاسیشان است. این خواست پس از قیام بصورت شعاری بالنسبه عمومی (در واحدهای تولیدی بزرگ) از جانب کارگران مطرح و در بسیاری از کارخانجات به وسیله شوراها و سندیکاها به نحوی پیگیرانه دنبال شد. آنچنانکه دولت ناگزیر گردید طی یکسال اخیر دوبار (یکبار در اواخر بهار و بار دیگر در پاییز ۵۸) این خواست کارگران را جدی بگیرد و کاهش ساعات کار از ۴۸ ساعت به ۴۰ ساعت را مطرح نماید ولی منافع سرمایه داران لیبرال درون حاکمیت این طرح را تحت الشعاع خود قرار داد و مانع از رسمیت یافتن و به اجرا درآمدن آن شد. اما کارگران همچنان شعار ۴۰ ساعت کار در ۵ روز هفته را در بسیاری از کارخانه ها مطرح کردند. در زمستان ۵۸ در کارخانه های گیلان، تعدادی از کارخانه های بزرگ به حرکتی عمومی (با خواست ۴۰ ساعت کار) دست زدند و آن را پیگیرانه دنبال نمودند که طی آن به تدریج بیش از ۱۵ کارخانه بزرگ رشبت موفق به تحقق این شعار شدند. طی یکی دو ماه اخیر نیز پس از تحقق انقلابی این طرح در کارخانه پارس توشیبا (توسط کارگران)، ۵ کارخانه بزرگ دیگر موفق شدند با اتحاد و پیگیری شان این خواست را به اجرا درآورند و چند کارخانه دیگر نیز به دنبال آنها در صدد به اجرا درآوردن آن هستند. در اینجا مختصراً گزارشی از مبارزات کارگران این کارخانه ها را می آوریم. کارخانه های که پس از

اطلاعیه

اخیرا تحت عنوان "جناح مستقل - بخشی از کادرها" با استفاده از نام و آرم سازمان چریکهای فدائی خلق ایران اعلامیه ها و اطلاعیه های انتشار یافته است. بر اساس مدارک و اطلاعات موجود، ناشرین اطلاعیه ها عوامل مشکوکی هستند که شناسائی آنان برای جنبش کمونیستی ایران از اهمیت برخوردار است. ما از همه هواداران می خواهیم که کلیه اطلاعاتی را که در این زمینه به دست می آورند، برای ما بفرستند و سازمان را در شناسائی این عوامل مشکوک یاری رسانند. سازمان چریکهای فدائی خلق ایران (اکثریت)

پر توان باد جنبش طبقه کارگر پیشتاز مبارزات ضد امپریالیستی - دمکراتیک خلقهای ایران

اعلام جرم

بقیماز صفحه ۱

امپریالیسم آمریکا و متحدان داخلی آن در چهار گوشه ایران علیه انقلاب به دسیسه مشغولند و تلاش دارند حکومت جمهوری اسلامی را سرنگون ساخته و بار دیگر یک حکومت سر سپرده به امپریالیسم آمریکا را به قدرت رسانند، بیش از هر زمان دیگر لازم است مردم دشمنان خود را از دوستان خود تشخیص دهند تا همه نیرو و توان خود را علیه دشمنانی که هر لحظه برای نابودی انقلاب تلاش می کنند، بسیج نمایند. کسانی که به جای افشای متحدان ضد انقلابی این جنایتکاران، نیروهای انقلابی را متحدان آنها وانمود می کنند، از یک سو چهره کثیف عوامل امپریالیسم آمریکا را می پوشانند، تا این جنایتکاران را از خشم توده ها برهانند و از سوی دیگر با نزدیک جلوه دادن آنان به نیروهای انقلابی برای آنها حیثیت می تراشند و در مردم نسبت به آنها، حس هم دردی ایجاد می کنند.

۲- روحیه ساواکی ها و همه بازمندگان رژیم شاه و نوکران سرسپرده امپریالیسم آمریکا، با انتشار این اکاذیب که آنان را مورد حمایت نیروهای انقلابی خلق جلوه گر می کند، تقویت شده و امپریالیسم آمریکا آسانتر می تواند آنان را علیه انقلاب و علیه مردم زحمتکش ایران سازماندهی و بسیج کند.

۳- هم اکنون، عوامل امپریالیسم آمریکا که می خواهند مردم را از ابعاد خطر دسیسه های امپریالیسم آمریکا بی اطلاع نگه دارند، چنین تبلیغ می کنند که کودتایی در میان نبوده و این گزارشات صرفا توطئه حکومت جمهوری اسلامی است که می خواهد از آن به عنوان دستاویزی برای سرکوب مردم و نیروهای انقلابی استفاده کند. انتشار اکاذیب روزنامه اطلاعات که دسیسه های آشکار علیه نیروهای انقلابی است، در آن بخش از مردم که هنوز آگاهی سیاسی کافی کسب نکرده اند، زمینه تبلیغات عوامل امپریالیسم را فراهم

می کند. بطوری که آنها در آینده ممکن است هر دسیسه جنایتکارانه امپریالیسم آمریکا را توطئه جمهوری اسلامی تصور کنند که برای سرکوب مردم ترتیب داده شده است. این امر مردم را نسبت به اخبار و گزارشات توطئه های امپریالیسم آمریکا بی اعتنا می کند و بدیهی است که بی اعتنائی و انفعال مردم در برابر خطر کودتا، مناسب ترین زمینه اجرای دسیسه های شوم امپریالیسم آمریکا و متحدان داخلی آن را فراهم می کند.

۴- اتحاد و یکپارچگی توده های مبارز ایران که باید به ویژه در شرایط حساس کنونی همه نیروی خود را علیه دشمن اصلی یعنی امپریالیسم آمریکا و متحدان داخلی آن بسیج کنند، با انتشار این اکاذیب تضعیف می شود و مردم را به جای مبارزه علیه امپریالیسم و متحدان داخلی آن به نفاق و کدورت با یکدیگر می کشاند، زمینه های تفاهم را میان نیروهای انقلابی و ضد امپریالیست از بین می برد و دست عوامل امپریالیسم را برای گسترش اقدامات ضد خلقی و جنایتکارانه علیه مردم ایران باز می گذارد.

با توجه به موارد بدیهی و روشن فوق ما خبر سراپا دروغ و نفرت انگیز روزنامه اطلاعات را که نمونه های مشابه آن را در گذشته نیز شاهد بوده ایم، اقدامی ضد انقلابی و ضد مردمی و دشمنی آشکار با انقلاب زحمتکش ایران و در خدمت امپریالیسم آمریکا و نوکران سرسپرده آن می دانیم و علیه مسئولان روزنامه اطلاعات اعلام جرم می کنیم و از دادستان دادگاه های انقلاب و مقامات قضایی کشور می خواهیم که مسببین انتشار این اکاذیب را به جرم تهمت مردم ایران و خدمت به امپریالیسم آمریکا و متحدان داخلی آن مورد تعقیب قانونی قرار دهند. مدارکی که نشان می دهد سازمان چریکهای فدائی خلق ایران پیش از همه نیروها کودتای اخیر را کشف و افشا کرده است به پیوست ارسال می گردد.

سازمان چریکهای فدائی خلق ایران (اکثریت)
اول مرداد ماه ۱۳۵۹

اعدام فدائیان خلق

بقیماز صفحه ۱۶

برانگیخته است. "دادگاه های انقلاب"، در شرایطی فدائیان خلق را اعدام می کند که جبهه ضد انقلاب در سرتاسر خاک میهن گسترده است و انحصار طلبی سیاسی و دشمنی با انقلابیون کمونیست جبهه انقلاب را بیش از هر زمانی تضعیف ساخته و خطر شکست مبارزات ضد امپریالیستی - دمکراتیک خلق های قهرمان ایران یک خطر واقعی است. اعدام فدائیان خلق که به علت دفاع از مطالبات برحق زحمتکشان و مبارزه زیر شعار "استقلال، کار، مسکن، آزادی"

صورت می گیرد، هراس حکومت را از گسترش نفوذ انقلابیون در سطح جنبش توده ای به عریان ترین شکل به نمایش گذاشته است. این اعدام ها نشان دهنده آن سیاستی است که در مقابل آرمان های مردم قرار دارد و زیر نقاب اسلام خواهی، صرف نظر از نیاتی که دارند، تحکیم سلطه امپریالیسم آمریکا را تدارک می بینند و زمینه ساز کودتای امرا و فرماندهان شاه هستند. طراحان و مجریان چنین سیاست هائی، جمهوری اسلامی را بر جوخه های اعدام پی ریزی می کنند و از همین رو مورد نفرت مردم و همه نیروهای ضد امپریالیست قرار دارند.

طراحان و مجریان اعدام فدائیان خلق، همان کسانی هستند که خواست و گرایش ارتجاعی و وحشیانه آنان با سنگسار زنان و مردان در کرمان به نمایش گذاشته شده است. اعدام فدائیان خلق که در دادگاه های در بسته و بر اساس قضاوت های مشتی تنگ نظر و صاحب اعتقادات قرون وسطی بدون اسناد و مدارک و بدون رعایت ابتدائی ترین موازین حقوقی صورت می گیرد، مایه شرمساری و نفرت همه کسانی است که پرچم شکوهمند قیام ۲۲ بهمن ماه را در سنگرهای خونین در اهتزاز در آورده اند. تبهکاری ها و جنایاتی که با اعدام انقلابیون و نمونه

سنگسار کرمان شاهد آنیم، همه نیروهای ضد امپریالیست و ترقی خواه را وامی دارد که تلاش های تازه ای را برای حفظ حقوق دمکراتیک و آزادی های سیاسی سازمان دهند.

۱- به افشای پیگیر اینگونه اعمال جنایتکارانه بپردازند و ماهیت سیاسی را که این چنین کشتار انقلابیون و مبارزین را در دستور قرار داده است، به توده ها بشناسانند. رفقای ما باید با حفظ هوشیاری انقلابی ارتباط این رشته اعمال را در رابطه با منافع امپریالیسم جهانی و متحدین آن به توده ها بنمایانند و مجریان این اعمال را افشاء و رسوا سازند ما باید به مردم توضیح دهیم، اعدام فدائیان خلق نمونه عملی آن سیاستی است که بجای تقویت اتحاد میان مردم، دشمنی میان مردم را دامن می زند و نمی گذارد بر پایه وحدت صفوف مردم علیه فقر، گرسنگی و بیکاری مبارزه شود. این سیاست همواره می خواهد در درون صفوف توده های مردم و انقلابیونی که در راه بهروزی انسانها مبارزه می کنند، شکاف بیندازد تا بدینوسیله از یکسو مانع ادامه مبارزات برحق توده های مردم شوند و از سوی دیگر بر روی این مبارزات پرده ساطر افکنند و آن را لووت کنند.

ما باید به مردم توضیح دهیم که اعدام فدائیان خلق با آزادی تجار سرمایه دار و میلیونرهای بازار ارتباط دارد. تجار سرمایه دار و میلیونری که به دلخواه خود نرخها را بالا می برند تا با فقیرتر شدن مردم، خود ثروتمندتر شوند و به این ترتیب اعدام فدائیان خلق

با گرانی و بیکاری رابطه دارد زیرا فدائیان دشمن سرمایه داران هستند و علل بیکاری، گرانی، فقر و بی خانمانی را برای مردم توضیح می دهند. ما حلقه های ارتباطی را که بین اعدام فدائیان خلق و مسائل جاری زندگی مردم وجود دارد، باید به توده ها نشان دهیم.

۲- با طرح شعارهایی ارتباط موجود بین اعدام انقلابیون و سرکوب مردم را نشان دهند. شعارها باید اهمیت حفظ حقوق دمکراتیک و آزادی های سیاسی را در پیشبرد مبارزات ضد امپریالیستی توضیح دهند. باید نشان داد که انحلال احزاب و سازمانهای سیاسی ضد امپریالیست و انقلابی چگونه مقدمه نابودی هرگونه تشکل توده ای است.

باید به کارگران و زحمتکشان توضیح دهیم که چگونه آنها برای تامین حقوق صنفی و سیاسی خود باید از حق تشکیل اجتماعات و سازمانهای صنفی و سیاسی دفاع کنند. باید ایثار و فداکاری انقلابیونی که اکنون در زندانهای جمهوری اسلامی با آرمان رهائی زحمتکشان در بندند را به توده های مردم نشان دهیم و بگوئیم که چگونه آنان برای استقلال کار، مسکن و آزادی مبارزه می کنند. باید پلی بسازیم بین آن چه که بر فدائیان خلق و دیگر انقلابیون در زندانها و میدانهای تیر می گذرد، با آن چه که توده های مردم در زندگی سخت و طاقت فرسای روزانه شان با آن دست به گریبانند. با استحکام این پیوند است که می توانیم خشم انقلابی مان را در راستای مبارزات زحمتکشان سوق دهیم و بدان مفهومی عمیق و مادی در عرصه مبارزات طبقاتی بخشیم.

۳- باید با حفظ خونسردی انقلابی خط و مرز روشنی بین خود و دیگر نیروهای ماجراجو و انقلابی-نما که با ایجاد تشنج بیهوده و بی هدف سعی در دامن زدن به تضادهای فرعی و گسترش اقدامات شبه فاشیستی دارند، ترسیم نمایند. آنها را از خود طرد کنند و نگذارند که شعارهای ماجراجویانه و انحرافی آنان مسیر مبارزات مردم را به انحراف کشاند.

پیروزی مبارزات ضد امپریالیستی - دمکراتیک خلق های ایران

بررسی انتقادی قانون کار پیشنهادی دومین و سومین کنگره سراسری شوراهای اسلامی کارگران در اصفهان و مشهد (قسمت اول)

به دنبال برگزاری دومین کنگره سراسری شوراهای اسلامی کارگران در اصفهان (خرداد ماه) سومین کنگره شوراهای اسلامی در نیمه اول تیرماه در مشهد برگزار شد که محور اصلی بحث‌های آن قانون کار جدید بود که در پایان ، طرح قانون کار پیشنهادی کنگره به تصویب ۴۰۰ نماینده شرکت کننده رسید . با توجه به این که ما بارها و بارها گفته و تاکید کرده‌ایم که تدوین قانون کار جدید باید مبتنی بر تشکیلات واقعی کارگران بوده و با شرکت فعالانه نمایندگان آگاه آن ، تدوین گردد و از آنجا که طرح پیشنهادی کنگره شوراهای اسلامی کارگران را علیرغم اشکالات و ضعف‌های اساسی‌ای که دارد (از نظر مغایرت و عدم انطباق آن با منافع و امکانات موجود کارگران) کوششی می‌دانیم که در راه تدوین قانون کار جدید صورت گرفته و گامی در این راه برداشته است . لذا بررسی انتقادی مواد مورد بحث این طرح پیشنهادی را از نظر تدوین قانون کاری در خور جنبش مارگری ایران ضروری و موثر می‌دانیم .

با منافع واقعی کارگران بوده است . باید توجه داشت که قانون کار که در نظام سرمایه‌داری رابطه بین کار و سرمایه را تنظیم می‌کند ، یکی از مهمترین قوانینی است که با شرایط کار و حقوق صنفی کارگران سر و کار دارد . به عبارت دیگر مبارزات کارگران بطور مشخص و روزمره برای تامین و کسب امتیاز و حقوق بیشتر از سرمایه‌داران ، عمدتاً بر محور قوانین و مقررات کار و اجتماعات جریان دارد . قانون کاری که در حال حاضر در ایران بر رابطه بین کارگر و کارفرما ناظر است ، قانون کاری ارتجاعی است که میراث رژیم ضد کارگری و ضد خلقی شاه است و هنوز با همان چارچوب و ضوابط به وسیله وزارت کار جمهوری اسلامی به اجرا در می‌آید . کارگران مبارز و انقلابی طی ماه‌های اخیر بارها و بارها ، بر علیه این ضوابط و قوانین ضد کارگری مبارزه کرده و همواره خواهان تدوین ضوابط نوینی که حتی‌الامکان شایسته طبقه کارگر انقلابی ایران باشد ، شده‌اند و در این رابطه بارها شرکت فعال تشکیلات واقعی و نمایندگان آگاهشان را در تدوین قانون کار امری ضروری و اجتناب ناپذیر دانسته و تاکید می‌کنند که چنانچه این کار به عهده "کارشناسان" و مقامات و مدیران "مسئول" وزارت کار و امور اجتماعی واگذار شود ، اساساً چیزی جز همان قانون کار ارتجاعی آریامهری (حداکثر با چند اصلاح حقوقی و فنی‌ناچیز) از آب در نخواهد آمد . کم‌اینکه در مورد قانون تامین اجتماعی چنین شد و "کارشناسان" و "مقامات" وزارت کار در مقابل اعتراضات شدید شوراهای کارگری مجبور شدند طرح ضد کارگری‌شان را پس بگیرند .

گذشته "کار" بررسی شده است ، جز رنگ و لعاب دادن قوانین ضدکارگری گذشته (از طریق حک و اصلاح حقوقی و فنی این یا آن ماده و تبصره) نکرده‌اند ولی آنچه که باید در اینجا توجه داشت این است که باید میان کنگره سراسری شوراهای اسلامی و "کارشناسان و خبرگان" وزارت کار فرق گذاشت ، چه کنگره شوراهای اسلامی علیرغم آنکه تا حدودی زیر نفوذ انحصارطلبانه حزب جمهوری اسلامی است ولی کم و بیش به برخی از ضوابط کارگری توجه دارد و بر شرکت کارگران و شوراهای کارگری در امر تدوین قانون کار صحه می‌گذارد . و از آن درک اساساً منحرف و ضد انقلابی‌ئی که خواهان تدوین قوانین از بالا است ، متمایز است . ما در اینجا بطور مشخص سعی خواهیم کرد به بررسی انتقادی قانون کار کنگره‌های دوم و سوم شوراهای اسلامی در اصفهان و مشهد رسیده است .

پیشنهادی کنگره با تعریف کارگر آغاز می‌شود و می‌گوید : " کارگر به کسی گفته می‌شود که کار مفید و موثری را در جهت رشد و شکوفائی اقتصاد کشور در اختیار جامعه یا افراد قرار دهد که در مقابل جامعه یا فرد متعهد می‌شود که معاش او را تامین نماید ." بر اساس این تعریف نادرست از کارگر ، عملاً هر کس در هر جا و به هر شکل که کار کند ، کارگر محسوب می‌شود . حال آنکه کارگر کسی است که صاحب هیچ وسیله تولیدی به جز نیروی کار خودش نیست و این نیروی کار را در مقابل دستمزد به کارفرما می‌فروشد . در ماده ۲ ، دستمزد تحت عنوان " دسترنج " تعریف شده و گفته شده : " دسترنج وجه نقد یا امکانات مادی می‌باشد که بایستی به دور از استثمار و بهره‌کشی بطور کامل در قبال انجام کار پرداخت گردد ." این تعریف نیز با مفهوم واقعی دستمزد مغایر است . زیرا دستمزد عبارت است از قیمت نیروی کار ، یعنی

یعنی در نظام سرمایه‌داری تنها بخشی از ارزشی که کارگر ایجاد می‌کند به عنوان دستمزد به او پرداخت می‌شود و بقیه ارزش تولید شده به عنوان ارزش اضافی از طرف مالک وسایل تولید (سرمایه‌دار) خواه بطور مستقیم و خواه از طریق دولت ، تصاحب می‌شود و مادام که این ارزش اضافی در کار باشد ، استثمار هم هست .

۳- در ماده ۳ ، کارفرما به شکل مبهم و نامشخصی تعریف شده است . به این صورت که : " کارفرما در این قانون شخصیتی اعتباری و موقت می‌باشد که در قبال آنچه که گفته می‌شد (مالکیت بر ابزار تولید) در قبال کارگاه مسئول می‌باشد ." که مفهوم روشنی ندارد . ولی از تعاریف که بگذریم ، برخورد طرح پیشنهادی کنگره با مفهوم شورا ، برخوردی مترقی و جالب توجه است :

۴- مواد ۵ ، ۷ ، ۸ ، ۱۲ و ۳۹ به شورا اختصاص یافته است از جمله در ماده ۸ می‌خوانیم که : " شوراها بالاترین مرجع

تدوین یک قانون کار واقعاً کارگری و انقلابی که انعکاس منافع واقعی طبقه کارگر باشد ، در چهارچوب مناسبات سرمایه‌داری و با ظرفیت انقلابی موجود جنبش کارگری ایران (در شرایط فعلی) طرحی غیرعملی و ذهنی است و این امر تنها در شرایط اعمال قدرت و حاکمیت پرولتری می‌تواند عملی گردد .

قانونی در هر کارخانه شناخته می‌شوند که بایستی کلیه امور هر کارگاه به وسیله یا با نظارت شوراها انجام پذیرد ."

۵- در ماده ۶ این طرح در مورد پوشش و شمول قانون کار ، آمده است که پوشش قانون کار " واحدهای کارگری اعم از دولتی ، تعاونی و خصوصی " را در بر می‌گیرد که این ماده نیز برعکس قانون کار فعلی که تنها بخشی از کارگران را زیر پوشش قانون کار قرار می‌دهد ، مترقی و مثبت است . ادامه دارد

مبلغی است که در مقابل کار به کارگر ، برای تامین حداقل معیشت خود و خانواده‌اش پرداخت می‌شود این نکته که ذکر می‌کند : دستمزد باید " به دور از استثمار و بهره‌کشی بطور کامل پرداخت شود ." شعاری ذهنی و غیر واقعی است . چرا که تنها در نظامی که مالکیت خصوصی وسایل تولید بطور کامل از بین رفته و کارگران خود به طور کامل کنترل تولید و جامعه را در دست داشته باشند ، میسر است . در غیر این صورت

مورد بحث ماست مقدمتا باید تاکید کنیم که طرح پیشنهادی کنگره ، قانون کار را از قانون تامین اجتماعی جدا کرده است ، حال آنکه این هر دو قانون یکی هستند و تشکیلات کارگری به هیچ وجه نباید فریب این تفکیک نادرست را که خود از توطئه‌های ضد کارگری آریامهری است بخورند . بر این اساس طرح پیشنهادی کنگره ، از نظر مواد مربوط به تامین اجتماعی ، از جمله مواد مربوط به بازنشستگی ، بیمه بیکاری ، حوادث و بیماری‌ها و غیره ناقص است . علاوه بر این نقص بزرگ مواد پیشنهادی مربوط به قانون کار کنگره ، ضمن آنکه از پاره‌ای جهات حاوی موادی مترقی و در جهت منافع کارگران است ، مشتمل بر ایرادات و نواقص اساسی زیر است که بطور خلاصه به این موارد می‌پردازیم :

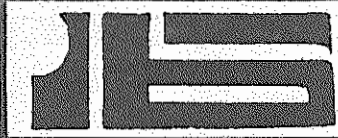
۱- ماده یک قانون کار

این " کارشناسان " و " خبرگان " وزارت کار چه در طرح و تدوین قانون تامین اجتماعی و چه در طرح طبقه بندی مشاغل و قانون کار همچنانکه در شماره‌های

لازم به تذکر است که تدوین یک قانون کار واقعاً کارگری و انقلابی که انعکاس منافع واقعی طبقه کارگر باشد در چهارچوب مناسبات سرمایه‌داری و با ظرفیت انقلابی موجود جنبش کارگری ایران (در شرایط فعلی) طرحی غیر عملی و ذهنی است و این امر تنها در شرایط اعمال قدرت و حاکمیت پرولتری می‌تواند عملی گردد . از این رو در این مقاله منظور ما از کلماتی واقع‌بینانه ، مترقی و درست در واقع در چهارچوب توان جنبش کارگری و امکانات و ظرفیت موجود جنبش است (بطور مشخص) نه ظرفیت واقعی پرولتاریای انقلابی ایران (بطور کلی) .

از قیام تاکنون چند طرح پیشنهادی در مورد قانون کار ارائه شده است که جز یکی از آنها ، اغلب ناقص و یا در پاره‌ای از موارد کاملاً متضاد

دسته‌بند همه وابستگی‌های اقتصادی ، سیاسی ، نظامی و فرهنگی با امپریالیسم جهانی بسرکردگی امپریالیسم امریکا



کنسرسیوم بین المللی نفت هنوز خود را مالک ذخائر نفتی مامی داند

اخراج و محاکمه... بقیه از صفحه ۱

آیت الله خمینی که گفته اند "آنهائی که با خیال فاسد کودتا همراه بوده اند، تمام اینها به حسب قرآن حکمشان قتل است، یک استثنا ندارد هیچکس حق ندارد در مورد کسی عفو یا مسامحه بکند" قاطعانه حمایت می کنیم.

محاکمه و مجازات این کودتاچیان بدون تردید در تضعیف محافل سرسپرده امپریالیسم نقشی موثر خواهد داشت.

محاکمه این عناصر سرسپرده باید بطور علنی و تماما از رادیو - تلویزیون پخش شود تا مردم ایران از همه حقایق باخبر شوند، دشمنان خود را بهتر بشناسند. محاکمه علنی کودتاگران بدون تردید در افزایش آگاهی مردم و معرفی دوستان و دشمنان مردم و نشان دادن خطر سیاستهای سازشکارانه نقشی موثر خواهد داشت.

ما حمایت پنهان و آشکاری را که هم اینک نیز توسط پاره ای از مقامات رسمی دولت جمهوری اسلامی از امرا و فرماندهان دوران شاه به عمل می آید، محکوم می کنیم و به همه مردم ایران نسبت به عواقب ادامه چنین سیاستهایی هشدار می دهیم. نقش فعال پرسنل انقلابی در خنثی ساختن توطئه کودتای نوزده یکبار دیگر درستی آن سیاست را که خواهان الغاء نظام اطاعت کورکورانه در ارتش و تکیه بر شوراها، کمیته ها و انجمنهای سربازان، درجه داران، همافران و افسران جزء است، به اثبات رسانده است.

ما حمایت و پشتیبانی قاطع خود را از خواستهای پرسنل انقلابی و ضد امپریالیست درون ارتش که بارها اعلام شده است، تاکید و تجدید می کنیم و از همه سربازان، درجه داران، همافران و افسران جزء انقلابی و ضد امپریالیست می خواهیم که برای کسب خواستهای بر حق خود پیگیرانه به مبارزه برخیزند ما از آنان می خواهیم که صرف نظر از اختلافات سیاسی و مسلکی متحدان برای شناسائی و درهم شکستن شبکه ها و محافل وابسته به امپریالیسم و متحدین آنان اقدام نمایند بقیه در صفحه ۱۳

حماسه تاریخ میهن ما، یکسال و نیم پس از آن که میلیونها زن و مرد مبارز ایران دست در دست هم به پرشکوه ترین نمایش حماسی تاریخ میهن دست زدند، امپریالیسم آمریکا و متحدان داخلی آن و محافل ضد خلقی ارتش، ساواکی ها و محافل سلطنت طلب دوباره به صورت خطری جدی در برابر مبارزات ضد امپریالیستی - دمکراتیک خلقهای ایران قرار گرفته اند؟

عدم اتحاد عمل نیروهای ضد امپریالیست و انقلابی، سیاستهایی که مغایر منافع زحمتکشان بوده و امروز فشار گرانی و بیکاری را بر کرده زحمتکشان دوچندان کرده است، تجاوز به حقوق دمکراتیک مردم که صفوف قشرده توده های میلیونی را در معرض پراکندگی، سستی، انفعال و سرخوردگی قرار داده است، از یکسو و گماشتن فرماندهان مزدور ارتش، حفظ نظام اطاعت کورکورانه و حفظ مناسبات ضد خلقی گذشته در ارتش، عدم توجه به خواستهای برحق پرسنل مبارز و انقلابی ارتش از سوی دیگر، چنان وضعی ایجاد کرده است که در ظرف دو سه ماهه اخیر چندین توطئه کودتا برای به قدرت رساندن یک حکومت سرسپرده امریکائی کشف شده است. چنانکه این وضع ادامه یابد، خطر نابودی ثمرات انقلاب و به قدرت رسیدن دوباره سرسپردگان امپریالیسم آمریکا هر لحظه افزایش می یابد.

برای درهم شکستن اقدامات و دسیسه های امپریالیسم آمریکا و متحدان داخلی آن مهم تر از هر چیز باید همه مردم و همه نیروهای انقلابی و ضد امپریالیست صفوف خود را فشرده تر سازند، خواسته های برحق پرسنل مبارز و انقلابی ارتش و همه نیروهای انقلابی خلق که از قیام تا کنون همواره خواستار دگرگونی اساسی در ارتش و تصفیه ارتش از فرماندهان، افسران و عناصر امریکائی و سلطنت طلب است باید هرچه زودتر به مرحله اجرا درآید کودتاگران و حامیان آنان باید محاکمه و به شدیدترین وجهی مجازات شوند. در این مورد ما از این سخنان

را که هنوز پابرجایند و بسیاری از آنها نیز هم اکنون اجراء می شود، از سر بگذرانند. مقامات جمهوری اسلامی اید به سئوالات زیر پاسخ دهند:

۱- چرا کنسرسیوم بین المللی نفت (امریکائی، انگلیسی، فرانسوی، هلندی) به ریاست آقای لینک که از طریق کودتای ننگین ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ به روی کار آمد هنوز وجود دارد، قراردادش لغو نشده و مافوق تمام مسئولان نفتی ایران خود را سا تصمیم می گیرد و عمل می کند؟

۲- چرا کارشناسان نفتی خارجی که در استخدام شرکت اسکو بودند و توسط مردم قهرمان ایران در جریان قیام اخراج و از کشور بیرون شده اند و وظایف آنها را کارشناسان نفتی ایران کذباً طول بعد از قیام انجام می دهند، هم اکنون حقوق و مزایای خود را در شرایطی که کشور دچار کمبری بودجه قابل توجه است و بسیاری از کارگران و زحمتکشان میهن در بیکاری به سر می برند و مزایای بسیاری از کارگران و کارمندان ایرانی شاغل شده است، از ذخائر این مردم بدون انجام کاری دریافت می کنند؟

۳- چرا هنوز قرارداد شرکت آبروس پابرجاست و آیا وظایف کنسرسیوم را این شرکت انجام می دهد و هم چنین این شرکت کما فی السابق نماینده تام الاختیار برای عقد هرگونه قرارداد استثماری است؟

در این شرایط که مبارزات ضد امپریالیستی مردم میهن ما به مراحل حساسی نزدیک می شود، این وظیفه کارگران و کارمندان مبارز صنعت نفت و شوراهاست که رسالت تاریخی خود را ایفاء نمایند و پیگیرانه در جهت افشای این قراردادهای در پیشگاه مردم زحمتکش و مبارز میهن ما عمل نمایند و در جهت لغو این قراردادهای و قطع دست امپریالیسم بسرگردگی امپریالیسم آمریکا مبارزه پیگیر خود را به انجام رسانند.



دلار بود که در ۱۱ مورد اتفاق افتاده و خسارت وارد شده است. (تلگراف شماره ۱) شرکت ملی نفت بنا بر روال گذشته از شرکت امپریالیستی آبروس (AIROS) شرکت خدماتی نفتی ایران که مقر آن در لندن است و به اصطلاح نماینده ایران می باشد، می خواهد که به این مسئله رسیدگی کند. شرکت آبروس در جواب شرکت نفت می گوید که "مدارک کافی نیست و اگر هم کافی باشد، نمی پردازند" و اینکه "ما نمی توانیم قضیه را دنبال کنیم و هروقت کاری داشتید، خودتان دنبال کنید" صفحه دوم تلگراف چنین می گوید: "در مورد کشتی لوئیزا (خسارتهای که می بایست بپردازد) این مطالبه بطور کامل صورت گرفته و مبلغ ۱/۱۳۹/۱۷۶ دلار دریافت شده است و به حساب شرکت (OSCO) کنسرسیوم در لندن ریخته شده است و شرکت اسکو از این طریق حقوق کارمندان خارجی را که قبلا در ایران کار می کردند، پرداخت کرده است!"

شرکت ملی نفت طی تلگرافی از آنها مجوز قانونی این عمل را جویا می شود و پرسیده می شود که اساسا چرا مطالبات در دفتر شرکت ثبت نشده است؟ شرکت آبروس، نماینده ایران در لندن! در جواب شرکت ملی نفت طی تلگرافی می گوید:

۱- طبق دستور کتبی رئیس هیئت مدیره و مدیر عامل اسکو (آقای لینک) مبلغ مربوط به مطالبه از کشتی لوئیزا برای پرداخت بدهی کارکنان خارجی اسکو بوده است و ما دستور را اجرا کردیم.

۲- و چون نمی دانستیم که پولهای واصل شده را به چه منظوری تخصیص دهیم، این کار صورت گرفت و وقتی که این مسئله روشن شود، آن را در دفاتر ثبت می کنیم. در این رابطه حقایقی آشکار می شود که مسئولان مملکتی و به ویژه وزیر نفت باید به سئوالات مردم ایران پاسخ بگویند و دیگر نمی توانند با سکوت ماهیت استثماری قراردادهای گذشته

شرکت سهامی خاص خدمات (OSCO) یا همان کنسرسیوم سابق که بعد از کودتای ننگین ۱۳۳۲ بر حیات اقتصادی و سیاسی جامعه مامسلط شد و اکنون با نام جدید عینا همان خصوصیات گذشته را دارد، هنوز هم به اشکال گوناگون در غارت و چپاول منابع نفتی ما دست دارد و می گوشت که از طرق مختلف منجمله طرح کودتا قدرت و تسلط گذشته خود را باز یابد بعد از اعدام انقلابی پل گریم معاون شرکت سهامی خاص خدمات، رئیس کنسرسیوم بنام جی. اچ. لینک (C.H. LINK) به خارج گریخت و علیرغم تمام فشارها و حرکتهای کارکنان رزمنده نفت و تمام مردم ایران که خواهان لغو قرار داد کنسرسیوم بین المللی نفت و دیگر قراردادهای اسارتبار نفتی بوده اند، مسئولان مملکتی کمترین گام را در جهت قطع این وابستگی برداشته اند و کما فی السابق قراردادهای نفتی با شرکتهای امپریالیستی انگلیسی، امریکائی،

فرانسوی، هلندی و... در پشت درهای بسته و به دور از چشم مردم بسته می شود و هنوز هم شخصی نظیر لینک که از دست مردم قهرمان ایران در جریان قیام گریخت در راس کنسرسیوم قرار دارد و دستورات خود را دیکته می کند و سخنان مطمئن مسئولان امور نفتی در مورد قطع روابط با جهانخواران نفتی مانع از آن نمی شود که کنسرسیوم بین المللی نفت به ریاست لینک همچنان به کارهای سابق خود مشغول شود و از ثروتها و ذخائر نفتی ما در جهت منافع و مقاصد خود سود نجویند. نمونه زیر یکی از موارد متعدد دزدی و چپاول این شرکتهاست امپریالیستی است که بعد از قیام تا کنون در سکوت مسئولان مملکتی صورت گرفته است:

شرکت ملی نفت مطالباتی در مورد خساراتی که کشتیهای نفتکش به بندرگاههای نفتی ایران وارد کرده اند، از شرکتها گوناگون دارد. مبلغ این خسارت ۲/۶۶۰/۳۵۴

مردم میهن ما قاطع کامل سلطه امپریالیسم آمریکا به مبارزات خود ادامه خواهند داد

توطئه‌های

باند ضد انقلابی بختیار - اویسی

را در هم شکنیم!

همراه با گسترش مبارزات مردم میهنمان علیه امپریالیسم جهانی بسرکردگی امپریالیسم امریکا توطئه‌های امپریالیسم و عواملش علیه مردم ایران روز به روز بیشتر می‌شود.

تمام جنایتکاران و ضدانقلابیون از سران فراری ارتش و بختیار گرفته تا عناصری چون سردار جاف تایشه‌ای و... در عراق گرد آمده و علیه انقلاب مردم ایران مشغول توطئه هستند. از یک طرف توسط مزدورانشان به شهرها و روستاها حمله نظامی می‌کنند و با شهید کردن پاسداران و مردم زحمتکش و با به آتش کشیدن خرمن‌های روستائیان در دل مردم رعب و وحشت ایجاد می‌کنند و از طرف دیگر توسط رادیوهای امپریالیستی نظیر رادیو عراق، ایران آزاد و... برای عواملی چون بختیار و حکومتی امریکائی تبلیغ می‌کنند.

ما معتقدیم که برای مقابله با تهاجمات نظامی و تبلیغاتی، مردم را باید بسیج کرد اگرچه آموزش اسلحه در مسجد، امام حسین قصر شیرین گام مثبتی است اما این کار را می‌بایست گسترش داد و توده‌های شهری و روستائی را بسیج مسلحانه کرد.

علاوه بر آمادگی برای مقابله با حملات نظامی لازم است که نیروهای انقلابی با کار آگاه‌گرانه در بین مردم دوستان و دشمنان آنها را به توده‌های مردم بشناسانند و تبلیغات امپریالیسم و عناصری چون بختیار را خنثی نمایند.

ما هواداران سازمان چریک‌های فدائی خلق ایران در قصر شیرین آماده‌ایم که با تمام توان خود در کنار سپاه پاسداران در مقابل تهاجمات نظامی مزدوران امپریالیسم مقابله کرده و شبکه‌های جاسوسی و نظامی این ضدانقلابیون را درهم شکنیم.

نابوداد توطئه‌های امپریالیسم امریکا و مزدورانش
گرامی باد یاد شهدای به خون خفته خلق

هواداران سازمان چریک‌های فدائی خلق ایران
قصر شیرین - ۱۷ تیرماه ۱۳۵۹

یکی از افسران کودتاگر، فرمانده نیروی هوائی در کابینه آقای بازرگان بوده است

● به دنبال کودتای اخیر سپهبد آریامهری (سعدی مهدیون) نیز دستگیر شده است و امروز دیگر کسی جرئت دفاع از او را ندارد. (همان‌هایی که تا دیروز از او دفاع می‌کردند و امروز نیز از دوستان دیگر او که هم اکنون در راس ارتش هستند، دفاع می‌کنند) اما جالب است بدانیم که این افسر توطئه‌گر دولت موقت بازرگان نیز عهده‌دار پست بسیار حساسی در ارتش بوده است. سعدی مهدیون مدت کوتاهی فرمانده نیروی هوائی بود که بر اثر اعتراضات پرسنل انقلابی نیروی هوائی مجبور شدند او را کنار بگذارند. اکنون به هنگام محاکمه کودتاگران جا دارد از آقای بازرگان پرسیده شود که چرا چنین خائنینی را در راس امور به کار گرفته است؟ آیا سوابق این فرد جز وفاداری به شاه خائن و نظام سلطنتی گواه بر چیز دیگر نیز میباشد آیا آقای بازرگان از کارنامه ننگین او خبر نداشته است؟ به عقیده ما چنین نیست. او به خوبی سوابق کلیه افرادی را که در دولت خود به کار گرفته می‌دانسته است (کما اینکه هیچکدام از نیروها و عناصر انقلابی در کابینه ایشان حضور نداشتند و این فقط به دلیل "سوابق" آنها بود) و در همان روزها روزنامه‌ها نیز کارنامه آنها را به چاپ می‌رساندند.

(زندگینامه مختصر مهدیون در روزنامه آیندگان روز ۲۵ بهمن ۵۷ چاپ شده است) اما آقای بازرگان جز سرمایه - داران لیبرال است و سرمایه - داران لیبرال برای حفظ منافع طبقه خود - یعنی حفظ امپریالیسم - به ارتش وابسته به امپریالیسم نیز احتیاج دارند. از همین روست که آقای بازرگان مرتباً از مردم می‌خواست که ارتش و فرماندهان آن را "خودی" بدانند (کافی است نگاهی به نطق‌های پیاپی ایشان در همان روزهای بعد از قیام انداخت که چگونه در هر فرصتی از ارتش و سران آن دفاع می‌کرد و به گروه‌های "افراطی" که خواهان برخورد انقلابی با ارتش بودند و کمیته‌ها می‌تاخت) به عکس آقای بازرگان، نیروهای انقلابی و در راس آنها فدائیان خلق همواره نابودی سیستم کنونی ارتش و تصفیه و محاکمه انقلابی فرماندهان ضد خلقی ارتش را خواستار شده‌اند (از جمله در اعلامیه‌های "ارتش ضد خلقی نابود باید گردد" ۷ بهمن ۵۷ و "از دستاوردهای انقلاب خونین مردم حفاظت کنیم" ۲۵ بهمن ۵۷ و سراسر ۶۷ شماره نشریه کار). اکنون سیر حوادث نشان می‌دهد که چه کسانی حقیقت را به مردم می‌گویند: ۱- کسانی که همواره کوشیده‌اند ارتش و

فرماندهان ضد خلقی آن را از مردم بدانند، کمترین تصفیه‌ها را در آن انجام دهند، به ساخت ارتش دست نزنند و همواره جنایات و خیانت‌های آن را متوجه معدودی "عناصر خائن" بدانند و از سایر امرای ارتش حمایت کنند (همانگونه که امروز از فلاحی‌ها حمایت می‌کنند) و در هر فرصتی به تبرئه آنها بپردازند و در یک کلام آگاهانه یا ناآگاهانه ارتش را همواره آماده برای کودتا نگاهدارند؟ و یا: ۲- کسانی که از همان ابتدا گفتند این ارتش تا مغز استخوان وابسته به امپریالیسم است، فرماندهان آن زیر نظر کارشناسان نظامی امپریالیسم تعلیم دیده‌اند و از عوامل سرسپرده آن می‌باشند، ارتش دوست و برادر مردم نمی‌شود، باید ساخت آن را درهم ریخت و ارتشی مردمی و قدرتمند ایجاد کرد، باید فرماندهان مزدور ارتشی را هرچه سریع‌تر دستگیر و محاکمه ساخت و در یک کلام این ارتش همان ارتشی است که ۱۷ شهریورها و ۱۳ آبان‌ها و... را آفریده است و اگر فرصت یابد باز هم چنین کشتارهایی راه خواهد انداخت. این ارتش تا زمانی که درهم کوبیده نشود و ارتشی از خود مردم تشکیل نگردد، همواره مترصد توطئه علیه جنبش خواهد بود.

اجرای انقلابی خواست... بقیه از صفحه ۶

اجرا در آوردن این خواست و رسمیت دادن به آن می‌شوند ولی از آنجا که شورای کارخانه (علیرغم تائید شفاهی این خواست عمومی) قادر به حرکت در پیشاپیش کارگران برای تحقق این شعار نبود، ناگزیر خود کارگران با اقدام مستقیم و انقلابیشان این طرح را به اجرا درمیاورند.

۳- کارخانه شیمکو: کارگران کارخانه شیمکو بدنبال تبلیغات آگاه‌گرانه کارگران مبارز و با آموزش از تجارب کارگران پارس توشیا و ایران کف و... شروع به

اعتراضهای شفاهی و توزیع و چسباندن تراکت و نوشتن طوماری با امضای عموم کارگران، خواهان اجرای انقلابی ۴۰ ساعت کار در هفته شورا علیه سرمایه‌داران وابسته و سهامداران خارجی کارخانه مدارکی بدست آورد که ثابت می‌کرد که آنان مبالغ هنگفتی ارز از ایران خارج نموده‌اند. شورا با افشای این مدارک به مبارزه انقلابی‌اش علیه سرمایه‌دار و مدیریت، گسترش و عمق بیشتری بخشید و مبارزه را موثرتر به پیش برد. سرانجام شورا موفق شد خواست همگانی ۴۰ ساعت کار در

هفته را به اجرا درآورد

۴- کارخانه شیمکو:

این کارخانه هم که در کنار کارخانه شیمکو قرار دارد، به دنبال کارخانه‌های فوق‌الذکر شروع به حرکت می‌نماید کارگران از شورای کارخانه خواستار به اجرا درآوردن ۴۰ ساعت کار در ۵ روز هفته و رسمیت بخشیدن به آن می‌شوند. شورا نیز اولین پنجشنبه تیرماه را تعطیل اعلام نموده و از آن تاریخ این خواست در کارخانه به اجرا درمیاورد.

۵- کارخانه یورتان:

این کارخانه نیز اخیراً موفق به اجرای طرح ۴۰ ساعت کار در هفته شده است

که هنوز از کیفیت اجرای آن گزارش دقیقی نداریم.

در حال حاضر کارخانه‌هایی مثل پ سرنیت و ایران برگ خواستار اجرای ۴۰ ساعت کار هستند:

● پارس ت: کارگران پیش از آنکه بنانند این خواست و خواسته‌های صنفی - سیاسی دیگر را، اجرا درآوردند، شورای فرم شی کارخانه را به صورت مانع و سدی در برابر تحقق خواسته‌هایشان می‌دیدند از این رو در صدد انحلال این شورا برآمده و در تدارک شورای جدیدی که بیانگر خواست کارگران باشد هستند که بدین ترتیب گام عملی موثری در جهت تحقق خواسته‌هایشان منجمله اجرای ۴۰ ساعت کار در هفته

برمیدارند.

● ایران برگ: که متجاوز از ۱۲۰۰ کارگر دارد، خواست اجرای ۴۰ ساعت کار را مطرح کرده است. هرچند مدیریت کارخانه با وعده و وعید موفق شده کارگران را بر سر کارشان بازگرداند ولی این خواست به صورت یک خواست عمومی در این کارخانه هم اکنون مطرح است. آنچه که مسلم است این است که اجرای ۴۰ ساعت کار در هفته در کارخانجات بزرگ رشت، دامنه‌های رو به گسترش دارد و هم اکنون زمینه به اجرا درآوردن آن در دیگر کارخانجات بصورت خواستی جدی و شعاری همگانی درآمده است.



آغاز پرشکوه بازی های

المپیک مسکو...

بقیه از صفحه ۱۶

نظر تاریخی همراه است با جنبش بین المللی صلح و تشنج زدائی و تقویت همبستگی خلق های جهان و ثانیاً این واقعه در مکانی صورت می گیرد که پرولتاریای پیروزمند آن پرچم سوسیالیسم جهانی را در دست دارد و به همین سبب امپریالیسم آمریکا و متحدانش با تلاش های مذبحخانه و به راه انداختن تبلیغات مسموم سعی داشتند از برگزاری آن جلوگیری کرده و یا از اهمیت آن بکاهند. امپریالیسم آمریکا در ادامه سیاست سلطه طلبی خود، یعنی سیاست "جنگ سرد" و تجاوز علیه سوسیالیسم و جلوگیری از استقرار دموکراسی و حاکمیت مردم در تعیین سرنوشت خویش، با عنوان کردن دلیل واهی "دخالته نظامی شوروی در افغانستان" خواستار تحریم بازی ها از سوی دیگر کشورها گردید. امپریالیسم آمریکا با این عمل خود یعنی درخواست تحریم بازی ها از کلیه کشورها و دول جهان و تحت فشار قرار دادن آنان، بار دیگر مدعی قیومیت و آقائی خود بر خلق های جهان و سرتاسر پهنه عالم شد. اما برگزاری پیروزمند المپیاد مسکو با تمام این کارشکنی ها و دسیسه ها، خود بیانگر شکست قطعی سیاست های امپریالیسم آمریکا در برابر اتحاد تاریخی کشورهای

سوسیالیستی، پرولتاریای کشورهای امپریالیستی و خلق های تحت ستم است. چرا که آمریکا با تمام تلاش و امکاناتش، حتی نتوانست موافقت تمامی هم پیمانانش را که در برابر زحمتکشان آن کشورها قرار داشتند در تحریم سیاسی این بازی ها جلب نماید و تنها معدودی از چهره های شناخته امپریالیسم به این سیاست تن دادند.

در این میان مجامع و محافل بین المللی منجمله فدراسیون های ورزشی بین المللی که از نفوذ و اعتبار جهانی برخوردارند، مانند فدراسیون های دو و میدانی، شنا، فوتبال، ژیمناستیک و دیگر فدراسیون های بین المللی همگی بر ضد "تحریم بازی ها از سوی ایالات متحده و هم پیمانانش دست به اقدام مشترک زدند و ورزشکاران برخی از کشورها نظیر انگلیس و استرالیا و ... بدون توجه به نظر دولت هایشان که به تبعیت از آمریکا بازی ها را تحریم کرده بودند و این امر مقابله با خواست توده های آگاه آن کشورها بود، در بازی ها شرکت جست و همبستگی خود را با سایر خلق ها نشان دادند.

امپریالیسم آمریکا با مانعیت از شرکت ورزشکاران آن کشور و برخی از کشورهای

تحت سلطه در مسابقات شکوهمند المپیاد مسکو زبونی خود و همدستانش را در برابر اتحاد کشورهای سوسیالیستی و سایر مردم جهان به نمایش گذارد و باعث رسوائی هر چه بیشتر سیاست های ضد مردمی خود گردید.

در این میان دولت ایران تحت تاثیر تبلیغات وسیع و همه جانبه محافل وابسته به امپریالیسم، عملاً دنباله رو این سیاست شده و در دام همان تبلیغاتی افتاد که سعی دارد مردم ما را از متحدان واقعی و جهانی اش دور سازد.

ما برگزاری این دوره از بازی های المپیک را در شرایطی که امپریالیسم جهانی به سرکردگی آمریکا، یک لحظه از توطئه و کارشکنی علیه نیروهای انقلابی جهان دست بر نمی دارد، یک پیروزی دانسته و بالا رفتن مشعل فروزان آن را بشارت دهنده مرگ محتوم امپریالیسم در سراسر جهان می دانیم. به اعتقاد ما برگزاری بازی های المپیک در ورزشگاه لنین مسکو، نمایش برتری جبهه نیروهای انقلاب و زوال و نابودی ضد انقلاب در مقیاس جهانی است. ما این پیروزی شکوهمند را به تمامی خلق های تحت ستم و خلق قهرمان اتحاد شوروی و پرولتاریای پیروزمند آن تبریک می گوئیم و مصرا از دولت جمهوری اسلامی ایران می خواهیم که با نمایش کامل بازی های المپیک مسکو از شبکه سرتاسری صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران گامی در جهت اتحاد خلق های سراسر جهان به پیش بردارد.

ذوب آهن اصفهان

اتحاد کارگران و کارمندان جزء با تحکیم شوراها گسترش می یابد

تکنسین های مرکز آموزش متالورژی ذوب آهن اصفهان به دنبال افشای توطئه های تفرقه افکنانه و ضدکارگری سرپرستها و مدیریت طی اطلاعیه ای به تاریخ ۱۱ خرداد که به امضای عموم تکنسین ها رسیده بود، خواهان اجرای خواسته های زیر شدند:

- ۱- افشای لیست ساواکی های کارخانه ذوب آهن و همچنین افراد ضد کار
- ۲- تعدیل حقوق در کلیه سطوح کارخانه، کسر حقوق های گزاف مدیران، سرپرستها و مهندسین ارشد کارخانه
- ۳- مدیریت کارخانه حق

که کارگران قسمتهای مختلف آنها را به علت رفتارهای ناشایستشان از کارگاه بیرون انداخته اند و علیرغم آن پست های بالاتری در کارخانه احراز کرده اند.

لغو "گردد" تصویب شده تکنسین ها را ندارد.

- ۴- ما با تمام قوا از تصمیمات شوراها واقعی کارخانه پشتیبانی می کنیم و خواهان تقویت قدرت اجرایی شوراها و افشاء و طرد عناصری که علیه شوراها اخلاص می کنند، می باشیم.

تکنسین های ذوب آهن تنها با تقویت شورا در مقابل توطئه های ضدکارگری و ضد شورائی سرپرستها و مدیران قادر خواهند بود خواسته هایشان را تحقق داده و وحدت صفوف کارکنان را تحکیم بخشند.

در اثر انفجار کوره آهک پزی ۵ نفر از کارگران جان خود را از دست دادند

مهاباد - بر اثر انفجار کوره آهک پزی در محله "کانی صوفی طه" مهاباد ۵ نفر از کارگران این کوره که همگی اعضای یک خانواده بودند، کشته و یک کارگر دیگر زخمی شد. این حادثه ناثر انگیز در میان زحمتکشان مهاباد موجب اندوه عمیقی گشته است. کارگران زحمتکش بخاطر شرایط نامناسب زندگی و از آنجا که مجبورند برای به دست آوردن لقمه نانی به هر دری بزنند، همواره در معرض خطرات جانی قرار دارند. کارگران برای تامین زندگی خود و خانواده شان به مشکل ترین و طاقت فرساترین کارها تن در می دهند. روزانه دهها نفر کارگر در اثر شرایط سخت زندگی، محیط نامناسب کار، عدم بهداشت و تغذیه کافی و بیماری های مختلف جان خود را از دست می دهند این کارگران قربانی نظام ظالمانه سرمایه داری هستند. در سرمایه داری بیشترین زحمات

را کارگران متحمل می شوند. آنها هستند که با راضی تولید در جامعه را به دوش می کشند لیکن جز فقر، بیماری، بیسوادی، بی مسکنی عقب ماندگی فرهنگی و مرگ زودرس نصیبی ندارند. گرانی می آید، آنها تحت فشار قرار می گیرند. بیکاری می آید، آنها بیکار می شوند. قحطی می آید، آنها از گرسنگی می میرند. جنگی در می گیرد آنها کشته می شوند و خلاصه همه بار سختی ها به دوش آنهاست. کارگران باید برای نابودی تمامی مظاهر سرمایه داری متحد شوند و کارگران باید به کمک روشنفکران انقلابی سطح آگاهی خود را بالا برده و دشمنان خود را باز بشناسند و شیوه مبارزه با آنها را یاد بگیرند.

آری! کارگران در این نبرد بزرگ تاریخی برآستی چیزی ندارند که از دست بدهند. تاریخ بارها پیروزی آنها را نوید داده است.

اتحاد زحمتکشان "تکان تپه" آنان را

بر زمین داران بزرگ پیروز ساخته است

زمینهای که متعلق به خود آنهاست، برداشت نمایند بدون شک با توطئه و نیرنگ فئودالها و عمده مالکان روبرو خواهند بود. بر شما زحمتکشان است که با حفظ اتحاد و یکپارچگی دستاوردهای مبارزات خود را پاسداری کرده و توطئه زمینداران بزرگ را درهم شکنید. امروز پیروزی تنها و تنها در گرو حفظ اتحاد و یکپارچگی شماست. نمونه این توطئه های ضد مردمی در روستاهای تکان بند، آلبلان برده زرد و ارمنی بلاقی در حال تکوین و شکل گیری است زمین داران بزرگ و عوامل وابسته آنها سعی دارند با اقدامات تفرقه افکنانه، صفوف متحد شما را پراکنده کنند. وظیفه شما زحمتکشان است که با هوشیاری اتحادتان را حفظ کنید، از تفرقه بپرهیزید و توطئه های ضدانقلابی مالکان و ایادی آنها را خنثی کنید.

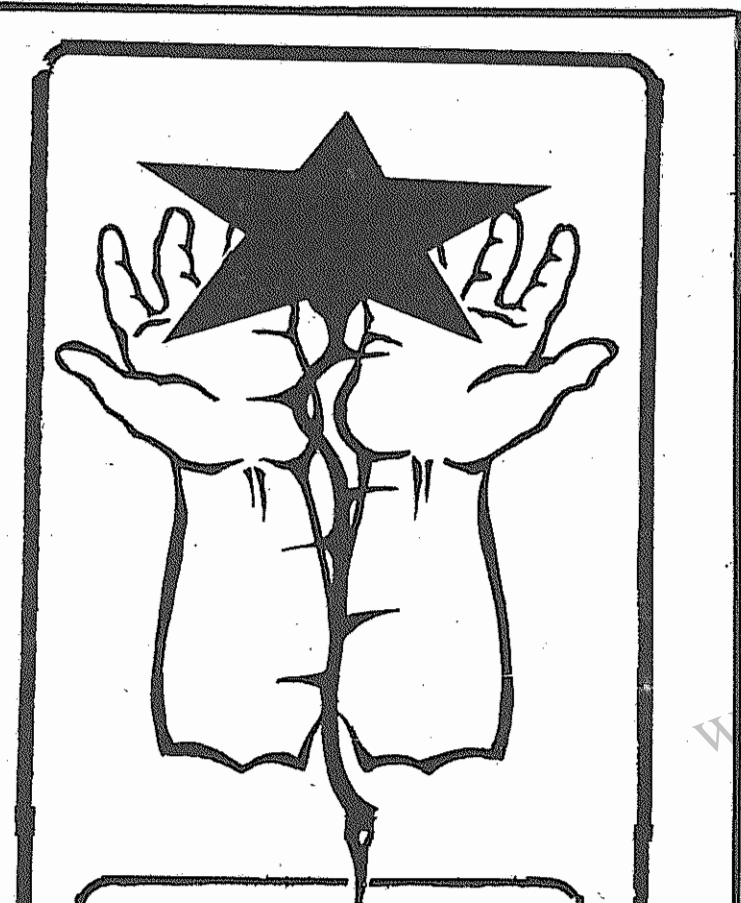
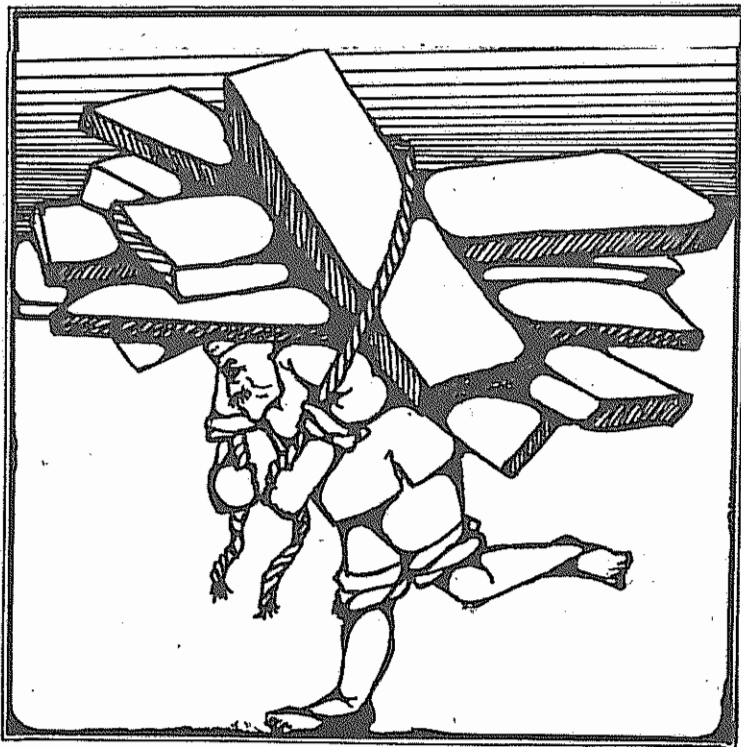
تکان تپه بوکان روستائیان زحمتکش تکان تپه به دنبال اقدام انقلابی صادره برخی از زمینهای آن روستا که در اختیار مالک بود، اینک اقدام به برداشت محصول زمینهای صادره ای نموده اند مردم زحمتکش تکان تپه به کمک شورای روستای خودشان و با اتحاد و یکپارچگی چشم گیر، محصول را برداشت کرده و آن را بین خود تقسیم کردند. در این میان شورا سهم بی سرپرست را پرداخت کرده است.

دفتر سازمان چریکهای فدائی خلق ایران در بوکان طی پیامی به زحمتکشان روستاهای بوکان، اقدام انقلابی زحمتکشان تکان تپه را مورد تأیید قرار داده است. در بخشی از این پیام آمده است:

"اینک در فصل برداشت محصول که زحمتکشان می روند تا ثمره یکسال تلاش و کوشش پیگیر خود را بر روی

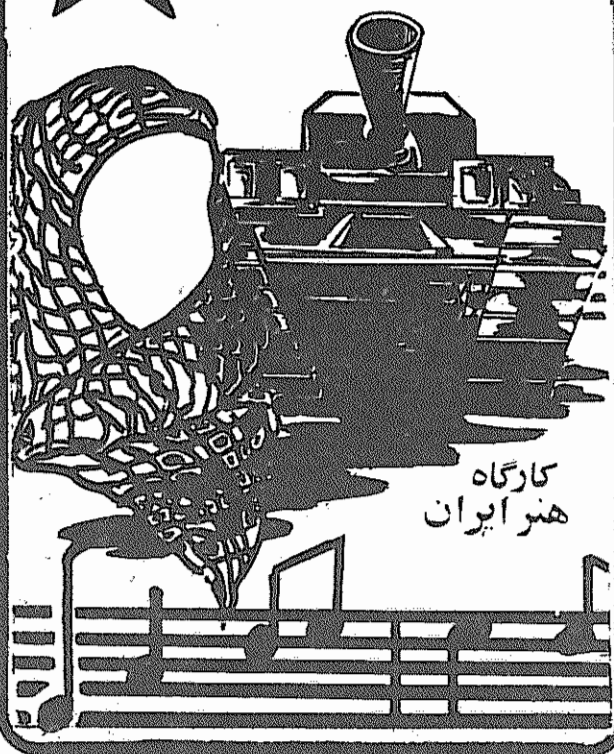
زمین از آن کسانی است که روی آن کار می کنند

نظام یوسیده سرمایه داری یکبار دیگر زحمتکشی را به قربانی گرفت



کارگاه هنر ایران تقدیم می کند

عوسیقی فلسطین و شیلی و...
در جشنواره
سالگرد قیام و سیاهکل



کارگاه
هنر ایران

جریانات سرمایه دار است در حالیکه تمام مشکلات کنونی همه آثار و محصول همان نظام و رژیم است که همین آقایان سرمایه داران و شرکاء فراری شان در تلاشند آن را از نابودی نجات دهند.

زحمتکشان ایران در جریان برخورد با سیاست های ضد مردمی - این نمایندگان امپریالیسم و طبقه سرمایه دار که نمونه ای از آن در جریان تسخیر سفارت در طرح های پی در پی کودتا، در تجاوز نظامی به جان و مال روستائیان زحمتکش کرمانشاهان و ایلام رو شده است، بیش از پیش پی می برند که راه نجات نه در پناه بردن به این عناصر ضد خلقی بلکه در نابودی کامل سرمایه داری است.

مردم میهن ما خود در مبارزاتشان عملاً به این سمت حرکت می کنند. مبارزات کارگران برای ملی کردن کارخانجات و مبارزات آنها برای تشکیل شوراهای واقعی و کنترل کارخانه ها توسط این شوراها، مصادره زمین زمین - داران بزرگ و اداره امور روستا توسط شوراهای دهقانی کوشش خستگی ناپذیر پرسنل انقلابی ارتش برای دگرگون نمودن نظام امپریالیستی اطاعت کورکورانه در نیروهای مسلح، برای سرنگونی فرماندهان امریکائی و سپردن اداره امور ارتش بدست شوراهای

سربازان، درجه داران و افسران جزء، تلاش کارمندان و فرهنگیان برای اعمال کنترل شوراهای مردمی بر امور سازمانها و ادارات همه و همه گام های عملی زحمتکشان میهن ما در جهت نابودی نظام سرمایه - داری وابسته به امپریالیسم است. بدون شک تنها و تنها پیروزی این اقدامات یعنی مصادره تمامی اموال سرمایه - داران و زمین داران بزرگ و سپردن تمامی کارخانجات، مزارع، ادارات و... به دست شوراهای واقعی زحمتکشان همان موسسات است که آنچنان شرایطی فراهم خواهد آورد که دیگر ولی اله عسکری و هزاران زحمتکش نظیر او مجبور نباشند برای زنده ماندن، زیر بار کار جان خود را از دست بدهند.

دیگر چیز غزبیبی نیست اگرچه بسیار دردناک باشد. دردناک تر از آن، این واقعیت تلخ است که نظام سرمایه داری میلیونها و میلیونها انسان را به مرگ تدریجی محکوم می کند. فقر، گرسنگی، بیکاری، فقدان بهداشت، آموزش، استراحت و... و در برابر همه اینها کار طاقت فرسای شبانه روزی، آیا چیزی جز مرگ تدریجی است و آیا میلیونها زحمتکش هم میهن ما زندگیشان چنین نیست؟

اینها همه حاصل نظام سرمایه داری است. آنچنان نظامی که در آن یک عده معدود سرمایه دار، ملاک و زمین دار همه ثروت جامعه را در انحصار خود می گیرند و اکثریت زحمتکشان را برای افزایش ثروت خویش، در برابر مزدی که به هیچوجه کفاف زندگی آنها را نمی کند به شدیدترین وجه و در غیر انسانی ترین شرایط به کار می گیرند. گرانی، بیکاری، مشکل مسکن، کمبود کالا، ترافیک، حتی دزدی، اعتیاد و... همه و همه مشکلاتی است که بر اثر استثمار و چپاول دم افزون سرمایه داران از یکسو و فقر و گرسنگی و احتیاج افزایش یابنده میلیونها انسان زحمتکش از طرف دیگر پدید می آید.

مردم میهن ما بخاطر از بین بردن همین مشکلات، یعنی بخاطر از بین بردن نظام سرمایه داری قیام کردند اما رژیم جمهوری اسلامی تاکنون نتوانسته است دست سرمایه داران و زمین داران بزرگ را از جان و مال مردم کوتاه کند به همین علت هنوز زحمتکشان جامعه از فقر، گرانی و... رنج می برند و دقیقاً به همین علت است که اکنون امپریالیسم امریکا که در واقع ارباب طبقه سرمایه دار ایران است سعی می کند از این نارضایتی سوء استفاده کند و از طریق نمایندگان طبقه سرمایه دار، از طریق جبهه ملی چپ ها، دار و دسته حزب جمهوری خلق مسلمان و باندهای وابسته به بختیارها و پالیزبانها چنین وانمود نماید که گویا چاره همه دردها بدست همین افراد و

روز ۲۴ خرداد ۵۹ ولی اله عسکری ساکن قریه جیه از توابع نمین در آذربایجان شرقی که زندگی اش را از طریق ماهی فروشی روی چرخ دستی و کارهای مختلف می گذراند، برای اینکه مزد بیشتری دریافت کند، تا پیش زن و ۶ فرزند خود شرمندۀ نباشد، یک کامیون الوار را به تنهایی خالی می کند و خوشحال با دستمالی پر راهی ده می شود شادی ولی اله چندین دوام نمی آورد. شب هنگام درد شدیدی بدنش را در هم می پیچد. در نمین امکانات پزشکی وجود ندارد. او را به اردبیل می برند و مورد معالجه قرار می دهند لیکن دکتر و دوا هم کار ساز نمیشود ولی اله در اثر پارگی روده جان می سپارد به این ترتیب جامعه سرمایه داری که خون زحمتکشان را به پول تبدیل می کند و به جیب سرمایه - داران سرازیر می گرداند، انسان زحمتکش دیگری را به کام خود می کشد.

بهرآستی چرا چنین است؟ چرا باید در جامعه چنان وضعی حکمفرما باشد که یکی پولش از پا رو بالا رود و انسان دیگری - ولی اله و میلیونها انسان نظیر او - به خاطر لقمه های نان زیر فشار کار جان بسپارد؟ چرا باید عده قلیلی حداکثر چند هزار نفر، تمام کارخانجات، زمینهای کشاورزی، ماشین آلات و همه امکانات بهداشتی، فرهنگی و تفریحی را در اختیار داشته باشند ولی اکثریت جامعه یعنی میلیونها و میلیونها انسان زحمتکشی که با کار خود تمام آن کارخانجات، زمینها و ماشین آلات را به حرکت در می آورند و همه چیز حاصل دسترنج آنهاست، از حداقل وسایل مورد نیاز زندگی محروم بمانند؟ آیا سرگذشت فاجعه با ولی اله عسکری تنها یک تصادف است؟ آیا تنها یک نمونه فردی است؟

همه میدانیم که چنین نیست. هر روز دهها نفر برای تأمین یک معاش بخور و نمیر در ایران زندگی خود را از دست می دهند مرگ در جریان کار و زیر بار کار در جامعه ما و در همه جوامع سرمایه داری اکنون

اخراج و محاکمه امرا و فرماندهان ارتش شاه خواست مبرم پرسنل انقلابی و ...

بقیه از صفحه ۹

سیاست نظامی گری رژیم گذشته و هزینه های سنگین و سرسام آور تسلیحاتی و ماشین دولتی آن بر دوش کارگران و زحمتکشان میهن ما سنگینی می کرد و هر ساله میلیاردها دلار صرف هزینه های نظامی و خرید تسلیحات و نگهداری ارتش چندصد هزار نفری رژیم گذشته می شد. این ارتش حرفه ای و ثابت دارای چنان سیستمی بود که از مردم فاصله گرفته و صرفاً برای به خاک و خون کشیدن مردم آموزش دیده و سازماندهی شده بود.

نظامیان از مردم جدا نگهداشته می شدند و به آنان به شکلی غیرانسانی و متکی بر اطاعت کورکورانه از مافوق چنان آموزش می دادند تا فرمانهای فرماندهان مزدورشان را که فرمان کشتار کارگران و دهقانان و دیگر اقشار مردم بود بخوبی اجرا کنند.

مستشاران امپریالیسم از طریق سازماندهی و آموزش این ارتش و انتخاب مهره های وفادار به منافع انحصارات امپریالیستی و سپردن مواضع کلیدی و حساس ارتش به دست آنان، ارتش را تبدیل به چماق سرکوب امپریالیسم در منطقه کرده بودند. برای تامین هزینه چنین ارتشی از جمله هر روز مالیاتهای سنگین و متعددی وضع می شد و شرایط زندگی بر زحمتکشان سخت تر می گشت. دخالت و نظارت پلیس در زندگی مردم و هزینه های سرسام آور ارتش و ساواک و دستگاه های سرکوب عرصه را بر زحمتکشان تنگ کرده بود. قیام پرشکوه بهمن ماه این ارتش ضد خلقی را به زانو درآورد اما حکومت جمهوری اسلامی مجدداً ارتش را بدون تغییرات اساسی باز سازی کرد، بطوری که امروز ارتش با همان مناسبات گذشته، با همان سیستم اطاعت کورکورانه و همان فرماندهان مزدور سازماندهی شده و برای سرکوب زحمتکشان و به قدرت رساندن یک رژیم سرسپرده امریکائی مهیا می شود. موارد زیر گوشه ای از مخارج نظامی حکومت جمهوری اسلامی را نشان می دهد:

۱- بودجه تصویب شده وزارت دفاع ملی برای سال ۵۹ مبلغ:

۲۲۵/۵۰۰/۶۳۳/۰۰۰ ریال

۲- بودجه ژاندارمری (ژاندارمری، شهربانی و اطلاعات و امنیت کشور و ... تابع وزارت کشور هستند)

۳- استخدام ۱۸۰۰۰ نفر "جوانمرد" که ۱۲۰۰۰ نفر "جوانمردان" ذکر شده به

استخدام رسمی دولت درآمده اند و بودجه ای معادل ۴/۸۲۶/۹۵۷/۰۰۰ به آنها اختصاص یافته است که تنها پاداش و عیدی این افراد در سال گذشته مبلغ ۷۲۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال بوده است.

۴- مبلغ ۷۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال هزینه سری برای مناطق کردستان، آذربایجان غربی و خوزستان و سیستان و بلوچستان که قبل از این مبلغ ۳۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال بودجه سری پرداخت شده است. با این هزینه ها عده ای از فتودالها و ایادی آنان نیز مسلح شده اند.

۵- پرداخت مبلغ: پناهنده عراقی (قیاده موقت) برای کردهای ۵/۰۰۰/۰۰۰

۶- پرداخت مبلغ: ۹/۶۱۲/۴۵۵/۰۰۰ ریال به طور علی الحساب به شرکتهای وابسته به وزارت دفاع ملی مانند شرکت پشتیبانی و نوسازی هلی کوپترها.

مبالغ فوق گوشه ای از مخارج ماشین دولتی است که از جیب مردم میهن ما گرفته شده است و در شرایطی که مردم میهن ما تحمل گشته که دولت برای تامین کسری بودجه خود ۴۲۵ میلیارد ریال از بانک مرکزی وام گرفته است، که ۳۵۰ میلیارد ریال از این مقدار به صورت اوراق قرضه "بدون بهره" می باشد. این اعتبار در آخرین روزهای سال ۵۸ به تصویب رسید و بدین ترتیب یکباره مبلغ هنگفتی به حجم پول افزوده شده که اثرات تورمی این افزایش ناگهانی حجم پول بسیار شدید خواهد بود و در افزایش قیمت ها در سال ۵۹ نمود خواهد یافت. مقامات مسئول مملکتی امیدوارند که بتوانند

این اوراق قرضه را به مردم بفروشند. فروش ۳۵۰ میلیارد ریال اوراق قرضه به مردم بدین معنی است که هر ایرانی (اعم از کودک و جوان و پیر) ۱۰۰۰ تومان و یا هر خانواده ایرانی بطور متوسط ۵۰۰۰ تومان اوراق قرضه بخرد و قابل درک است که در شرایط فعلی درآمد سرانه بخش عظیمی از دهقانان و زحمتکشان شهری از مبلغ فوق

می خواهد با فشار بر توده های میلیونی زحمتکش که عمده ترین مصرف کنندگان مواد غذایی عمومی هستند، مخارج ماشین دولتی خود را تامین کند.

محافل ضد خلقی درون ارتش که در مواضع حساس و کلیدی ارتش نیز نفوذ دارند و در پستهای فرماندهی نقش ایفاء می کنند می کوشند که بر بستر بحران اقتصادی -

سیستمی که بر ارتش حاکم است، تفکری که اطاعت کورکورانه را بمثابه یک امر الهی تلقی می کند، دست فرزاندهان مزدور را در طرح و اجرای توطئه های امریکائی بازگذاشته است چرا که اطاعت کورکورانه از مافوق اختیارات گسترده ای را به فرماندهان مزدور می دهد که سوابق گذشته شان جز خدمت به امپریالیسم و رژیم گذشته چیز دیگری نیست.

به مراتب پائین تر است. از طرف دیگر درآمد پیش بینی شده دولت از درآمد نفت که رقمی نزدیک به ۲۲ میلیارد دلار بود، به مراتب پائین تر از رقم پیش بینی شده خواهد بود و دولت نه تنها گامی در جهت کاهش این هزینه های سرسام آور برنداشته، بلکه با افزایش مالیاتهای غیرمستقیم فشار مستقیم آن را بر دوش زحمتکشان نهاده است.

هزینه سرسام آور نگهداری ارتش و بخش وسیعی از کارمندان دولت بدون آنکه در کار تولیدی نقشی داشته باشند، قسمت اعظم بودجه را به خود اختصاص داده است که از جمله عللی است که موجب افزایش مالیات مستقیم و غیر مستقیم به مردم می شود. مالیاتهای مستقیم نه بر روی زمین و مستغلات و ... بلکه بطور غیرمستقیم و بصورت گرانی قیمت ها که مورد تأیید و تصویب دولت می باشد، خود را نشان می دهد. دولت با افزایش رسمی قیمت ها بر روی نان، گوشت، برنج و سبزیجات و سیگار و ... انواع کالاهای مصرفی مالیات وضع می کند تا از جمله مخارج و هزینه این نیروها را تامین کند. افزایش قیمت ها و مالیات بندی دولت بر اجناس مصرفی دقیقاً سیاست دولت را نشان می دهد که

سیاسی موجود و با بهره گیری از نارضایتی توده های مردم مقاصد خائنه خود را عملی سازند و در جهت ایجاد یک رژیم دیکتاتور فاشیستی که حافظ منافع امپریالیسم و سرمایه داران و زمین داران بزرگ است، بهره برداری کنند. کودتای این محافل تلاشی است که نه برای اولین بار و نه برای آخرین بار صورت می گیرد.

امپریالیسم و انحصارات بین المللی از طریق محافل ارتجاعی درون ارتش و نیروهای سیاسی که برحول نظریات ارتجاعی ناسیونالیستی و به اصطلاح ملی گرایانه و ضد کمونیستی که هم در محیط نظامی و هم در جامعه حضور دارند، می کوشند که با سلطه مجدد خود از طریق کودتا، امتیازات از دست رفته خود را بازیابند. این محافل که در زیر پوشش آزادی های دمکراتیک حرکت می کنند، هدفی جز این ندارند که تمام سازمان های توده ای و آزادی های دمکراتیک را از بین برده و حکومت سرسپرده به امپریالیسم را دوباره در ایران مستقر سازند. اهداف شوم کودتاگران که جز با کشتار دسته جمعی مردم تحقق نمی یابد، چنان آشکار است که همه نیروهای ترقیخواه و ضد امپریالیست را به اتحاد

فرا می خواند. در پشت سر این جنایتکاران، چهره کثیف این به اصطلاح طرفداران حقوق بشر را در سطح جهانی می توان دید که برای منافع خود حاضرند خون میلیونها انسان زحمتکش را بر زمین بریزند.

هم اکنون شبکه تبلیغات امپریالیستها و محافل وابسته به آنها در داخل کشور برای بی تفاوت کردن مردم، فعالیت گسترده ای را آغاز کرده اند، تبلیغات این محافل بطور زیرکانه ای متوجه اعتبار بخشیدن به کودتا - چیان و جلب حمایت و همدردی مردم از آنان است. در چنین شرایطی اتحاد عمل کلیه نیروهای ضد امپریالیست و دمکرات های انقلابی با انقلابیون کمونیست تلاش در جهت آگاه ساختن مردم، افشای لیبرالها، افشای کسانی که از اتحاد مردم جلوگیری می کنند و سعی در خنثی کردن تبلیغاتی که برای به انفعال کشاندن مردم صورت می گیرد از اهمیت حیاتی برخوردار است.

نیروهای ترقیخواه باید بکوشند آگاهی سیاسی را به میان سربازان و درجه داران و افسران جزا ببرند تا محافل مرتجع و فرماندهان مزدوری که وابسته به امپریالیسم هستند، نتوانند بر بستر ناآگاهی این نیروها و زیر شعارهای به اصطلاح ملی گرایانه به مقاصد پلید خود که همانا تحکیم سلطه امپریالیسم است، جامه عمل ببوشانند.

همانطور که بارها گفته ایم و طرح کودتاهای متعدد اخیر نشان داد ارتش در هر فرصتی خواهد کوشید تا علیه توده و برای دفاع از منافع امپریالیسم وارد عمل شود.

سیستمی که بر ارتش حاکم است، تفکری که اطاعت کورکورانه را بمثابه یک امر الهی تلقی می کند، دست فرماندهان مزدور را در طرح و اجرای توطئه های امریکائی باز گذاشته است چرا که اطاعت کورکورانه از مافوق اختیارات گسترده ای را به فرماندهان مزدور می دهد که سوابق گذشته شان جز خدمت به امپریالیسم و رژیم گذشته چیز دیگری نیست.

امروز برپا ساختن یک ارتش مردمی ضرورتی است که برای تمامی نیروهای ضد امپریالیست هر روز آشکار تر می شود. ما پیشبرد اقدامات زیر را از جمله بقیه در صفحه ۱۴

عفو عمومی عیدی به ...

بقیماز صفحه ۱۶

اثبات می کنند که نمی توان صف دوستان و دشمنان انقلاب مردم را با اعتقاد یا عدم اعتقاد به آئینهای اسلامی مشخص و متمایز کرد.

... انتشار فرمان آیت الله خمینی در مورد آزادی ساواکی ها و جنایتکاران رژیم شاه و به دنبال آن قرائت این پیام نوروزی ... آیت الله قمی و آیت الله مرعشی که از مرتجع ترین روحانیون ایران هستند، طی پیام هائی از صدور فرمان عفو ساواکی ها و جنایتکاران رژیم سابق قدردانی کرده و آن را تأیید کرده اند.

نمی تواند نتایج مطلوب را به بار آورد. ما عین اطلاعیه سازمان را که در تاریخ ۲۷ اسفند ۵۷ به مناسبت فرمان عفو عمومی انتشار یافت و نیز انتقاداتی که بر فرمان عفو ساواکی ها در پاسخ به پیام نوروزی ۵۸ نوشتیم، به چاپ میرسانیم تا یکبار دیگر نشان دهیم که مواضع کسانی که آیت الله خمینی را در عفو ساواکی ها تشویق می کردند، به سود انقلاب بوده یا مواضع سازمان چریکهای فدائی خلق ایران که همواره مورد حمله جمهوری اسلامی بوده است؟ حقایق امروز بیش از همیشه

بهوش باشیم و نگذاریم فاجعه شوم ۲۸ مرداد تکرار شود

پرسنل انقلابی ارتش:

ارتش باقی مانده از دوران شاه، کانون اصلی کودتاگران است.

برای درهم شکستن این کانون باید تمامی فرماندهان دست پرورده امریکا و رژیم شاه تصفیه انقلابی شوند.

شوراها، انجمن ها و کمیته های پرسنل انقلابی سنگرهای مبارزه با کودتاگران هستند. وظیفه پرسنل انقلابی است که حول این سنگرها متشکل شوند و مبارزات خود را علیه دوستان امریکا، طرفداران شاه خائن و بختیار مزدور گسترش دهند.

تنها اگر سربازان، درجه داران و افسران جزء انقلابی با هم متحد شوند، تمام توطئه ها و نقشه های فرماندهان مزدور کشف و خنثی خواهد شد.

سازمان چریکهای فدائی خلق ایران (اکثریت)

۳۱ تیر ۵۹



پنجشنبه ۲ فروردین ۱۳۵۸

شماره ۳ صفحه ۸

عفو عمومی عیدی به ... ضد انقلاب است

طبق اظهارات سخنگوی دولت موقت، تا نوروز فرمان عفو عمومی صادر میشود دست عدالت از تعقیب مجازات جنایتکاران، آدمکشان و غارتگران رژیم سابق کوتاه میگردد. عجیب است که سخنگوی دولت این دشمنی آشکارا به انقلاب "عیدی به ملت ایران" وانمود کرده است.

هم میهنان مبارز!

در حالیکه هنوز خون دهها هزار شهیدی که در راه آرمان خلقهای ستمدیده ایران جان خود را فدا کرده اند، از دیوارها و سنگرفش خیابانها پاک نشده است، در حالیکه اکثریت جنایتکاران و مزدوران خونخوار رژیم سابق به رهبری سازمان سیا متشکل شده و با گستاخی در حال تدارک ضد انقلاب هستند، در حالیکه بنابه اعتراف خود دولت، ماموران ساواک و سایر مزدوران مسلح، مشغول کشتار مردم و توطئه علیه انقلاب هستند، فرمان عفو عمومی چه مفهومی دارد؟ آیا فرمان عفو عمومی عیدی به دشمنان ملت ایران نیست؟ آیا عفو جنایتکاران به معنی بازگذاشتن دست مزدوران و جاسوسان در امر توطئه علیه خلقهای ایران نیست؟

ما عفو جنایتکارانی را که در گذشته به کشتار و چپاول خلقهای ستمدیده ایران مشغول بوده و اینک نیز به دستور امپریالیسم و دستگاههای جاسوسی آن به توطئه و دسیسه بر علیه مردم ایران مشغولند، دشمنی با مردم و خیانت به انقلاب میدانیم و معتقدیم که عفو جنایتکاران زمینه را برای سلطه دوباره دشمنان سوگند خورده ایران هموار میکند. از این روبرو دولت هشدار میدهم که به منافع ملت ستمدیده ایران توجه کند و در مقابل تبلیغات محافل امپریالیستی که میکوشند مزدوران و سرسپردگان خود را از مجازات برهانند تا دوباره از آنان برای حفظ منافع خویش استفاده کنند، تسلیم نشود.

سازمان چریکهای فدائی خلق ایران

۵۷/۱۲/۲۷

بقیماز صفحه ۲

یکی بر سر شاخ ...

بر عهده همه نیروهای انقلابی و مبارز است که برای آگاه کردن مردم از خطر اقداماتی که دستاوردهای قیام را تهدید می کند، با بسیج همه جانبه مردم در هر کجا که باشند، اقدام کنند. خانها، سرمایه داران فراری، رانده شدگان از حکومت، سران فراری ارتش و دستجات مزدور و مرتجع هم اکنون در سراسر ایران با بهره برداری از ناراضیاتی روز افزون مردم، دستجات مسلح گرد آورده و به آتش زدن خرمنها، کشتار گلهها منفجر کردن لوله های نفت، حمله به ناسیسات صنعتی و غیره پرداخته اند. وظیفه مبرم نیروهای انقلابی است که پیگیرانه علیه این دستجات وارد بیکار شوند و فدائیان خلق بی گمان در این بیکار انقلابی هم سرمشق و نمونه تمام زمندگان راه استقلال میهن خواهند بود. فدائیان خلق اکنون بیش از هر زمان دیگر خود را موظف می دانند که هر آنجا که (مانند بلوچستان، کرمانشاهان، خوزستان و ...) "پاسداران انقلاب" مورد تهاجم این دستجات ضد انقلاب قرار گرفتند یا برای نابودی این دستجات اقدام کردند، در همکاری عملی و فعال با پاسداران و تدارک هرگونه پشتیبانی موثر از پاسداران با تمام نیرو بکوشند.

پرسنل انقلابی ارتش اکنون باید بیش از هر زمان دیگر به هشیاری خود بیفزایند، هرگونه حرکت مشکوک و هرگونه اطلاع دیگری که از عناصر توطئه گر و وابسته به دست آید، باید فوراً به مراکز سپاه پاسداران، کمیته ها و دادگاههای انقلاب اطلاع دهند پرسنل انقلابی وظیفه دارند با قاطعیت تمام، تمام عناصر وابسته به رژیم سابق و ضد انقلاب را افشا کنند

در آینده نیز باید به همان گونه که تاکنون نشان داده ایم، با تمام توان خود به افشای عوامل امپریالیسم امریکا و توطئه های مزدوران آن برخیزیم. چنانچه در افشای کودتای نوزده نیز چنین کردیم از همین روست که امپریالیستها و مزدوران داخلی آنها از انقلابیون کمونیست، از فدائیان خلق بیشترین کینه را به دل دارند. آنها هم اکنون به رذیله ترین شیوه ها با ما دشمنی می کنند چرا که آنها خوب دریافته اند کدامین نیروها در جهت نابودی کامل سلطه امپریالیسم جهانی بسرگردگی امپریالیسم امریکا بیا خاسته اند. بگذار باز هم آنها ژاژ خانی کنند اما پیروزی ناگزیر از آن خلقهاست.

کردستان خوب اندیشیده اند و نه خوب متوجه اند که ادامه جنگ در کردستان چه ثمره و حاصلی خواهد داشت؟ ادامه این جنگ اولاً تا کنون مانع پاکسازی انقلابی همه روسا و فرماندهان ارتش بوده است، ثانیاً ضد انقلاب و عوامل وابسته به امپریالیسم و عمالش و عوامل عراق را در منطقه کردستان تقویت کرده است. هر کس در چهارچوب جمهوری اسلامی ایران به صلح عادلانه معتقد نباشد، سیاست صلح عادلانه سازمان را نادیده بگیرد می خواهد راه را برای رشد ضد انقلاب در ارتش و در کردستان باز بگذارد. صلح عادلانه و قطع این جنگ برادرکنشی در چهارچوب جمهوری اسلامی ایران بزرگترین گام در راه تأمین وحدت خلقهای ایران و مقابله با ضد انقلاب خواهد بود. وظیفه ماست تا با رژیم پیگیرانه تر برای دستیابی به صلح عادلانه در چهارچوب جمهوری اسلامی ایران و تغییر جهت جنگ و هدایت آن علیه عوامل ضد انقلاب و همکاری با پاسداران در این راه این کانونهای ضد انقلاب و توطئه گری را یک به یک در کردستان درهم بکوبیم. علاوه بر این بیاد داشته باشیم که تداوم محیط تشنج و درگیری در کردستان بهترین زمینه برای رشد ضد انقلاب و بسیج دستجات شبه فاشیستی برای سرکوب انقلابیون و تدارک یک حکومت وابسته به امپریالیسم است.

مذهبی کردن اجباری تمام زندگی مردم جو درگیری و خشونت را مشخصاً گسترش خواهد داد. اختلافات و درگیری بین توده مردم را دامن می زند، جنبه مردم را در برابر امپریالیسم که دشمن اصلی و مشترک تمام خلقهای ماست، تضعیف خواهد کرد. یکسال و نیم است که شاهد هستیم چگونه عوامل مشکوکی که عناصر سه جهانی در میان آنان زیاد است بنام اسلام و مذهب به دفاتر سازمانهای سیاسی حمله می برند و میکوشند مردم را به درگیری و رو در روئی با یکدیگر بکشانند. شک نداشته باشیم که فشار روحانیت برای پیشبرد این سیاست یعنی در تنگنا قرار دادن مردم، یعنی تحمیل جابرانه شیوه ای از زندگی به مردم که متعلق به گذشته است، با مقتضیات جامعه امروزی ما نمی تواند سازگار باشد. جمهوری اسلامی بداند مردمی که با آگراه به انجام فرمایش کشیده شوند در وقت مقتضی هرگز یاران وفاداری برای وی نخواهند بود.

توضیح: مقالات "از تجربیات مبارزات زحمتکشان میهنمان درس بگیریم" و "رژیم دیکتاتوری نظامی ضیاء الحق، دشمن خلقهای پاکستان و منطقه و نوکر سرسپرده امپریالیسم امریکا - قسمت دوم" به دلیل تراکم مطالب و کمبود جا در شماره های آینده چاپ خواهد شد.

مرگ بر امپریالیسم جهانی به سرگردگی امپریالیسم امریکا

